

## قیام ۲۹ بهمن تبریز

### رحیم نیکبخت

تقدیم به «آن یار سفر کرده که صد قافله دل همره اوست»  
 سال ۱۳۵۶ سال شتاب حرکت اسلامی مردم ایران بود، شهادت حاج مصطفی خمینی زمینه همگانی را برای ابراز خشم و انزجار عمومی مهیا ساخت که این خشم و انزجار روز ۱۹ دی ماه ۵۶ در قم بروز عینی یافت و منجر به درگیری و در نتیجه شهادت چندتن از قیام کنندگان گردید و چهلم آن در تبریز حماسه آفرید. اهمیت مذهبی - سیاسی چهلم ها در تاریخ انقلاب اسلامی بسیار بارز می باشد و در واقع زنجیره ای از رویداهاست که این وقایع مقدماتی را به مرحله اوج نهضت متصل می ساخت. نظر به آنکه شهر قم مرکز مذهبی و پایگاه طلاب بود قیام مردم قم به رهبری طلاب جوان صورت گرفت و در شهر تبریز قیام مردم به رهبری روحانیون و دانشجویان مبارز شکل گرفت.

### مقدمه

آذربایجان در طول تاریخ ایران همواره نقش و اهمیت خاصی داشته است، چه در دوران پیش از اسلام و چه ایران دوران اسلامی، اما نقشی که آذربایجان در تاریخ معاصر ایران بر عهده داشته است بسیار مهم و قابل توجه است.

با آغاز نهضت حضرت امام خمینی (ره) یک ارتباط آشکار میان دو شهر قم (کانون انقلاب اسلامی) و تبریز به نظر می رسد. به عنوان نمونه همان روزی که مدرسه قضیه قم به خاک و خون کشیده شده مدرسه طالبیه نیز مورد هجوم نیروهای نظامی شاه واقع گردید. شهر تبریز در میان چند شهر مهم ایران در حرکت های انقلابی از جایگاه ویژه ای برخوردار است که تبلور عینی آن قیام شورانگیز ۲۹ بهمن می باشد.

امام خمینی (ره) پیش از آنکه در صحنه مذهبی به عنوان مرجع مطرح گردند یا اینکه در صحنه سیاسی اجتماعی، رهبری مبارزات حق طلبانه مردم مسلمان ایران را عهده دار شوند «... در طول دهه ۱۳۳۰ و حتی قبل از آن نیز، با تکیه بر اخلاق و تهذیب فردی و تربیت نیرو، یک دوره سازندگی را پشت سر گذاشته بود<sup>۱</sup>». با آغاز نهضت امام خمینی این شاگردان صدیق امام در جای جای ایران با شجاعت و شهامت راه امام را پیش گرفتند.

از جمله شاگردان برجسته امام، آیت ا... سیدمحمدعلی قاضی طباطبایی تبریزی بود این شهید والامقام سالها نزد حضرت امام کسب فیض نمود و با آغاز نهضت پرچم قیام و انقلاب را در آذربایجان بر دوش گرفت. پس از رحلت آیت ا... العظمی حکیم، قاضی به عنوان یک روحانی مورد قبول عامه مردم تنها کسی بود که مرجعیت بلامنازع امام را در آذربایجان مطرح ساخت.

با این اقدام ایشان اقشار عظیمی از بازاریان، دانشجویان و روشنفکران تبریز مقلد امام گشتند، و بدین طریق قدم بسیار مثبت و عمیقی در پیشبرد انقلاب اسلامی در سطح بسیار گسترده در تبریز و بلکه در آذربایجان برداشتند.<sup>۲</sup>

### نگاهی به وضعیت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی

بین سال های ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۵ اوج خشونت و سرکوب حرکت های مخالف رژیم بود. کوچکترین صدای اعتراض با شدیدترین نحو ممکن سرکوب می گردید. رعب و وحشت، اختناق و خفقان شدیدی توسط سازمان همه جا حاضر ساواک در سراسر کشور سایه افکنده بود. زندانها و بازداشتگاهها پر از مبارزین بود. شاه سرمست از فزونی ثروت و قدرت کشوری بود که وی بر آن شخصاً و فرداً حکم می راند.

حزب شاه ساخته رستاخیز در تلاش گسترده سعی در جا انداختن پایه های جدید مشروعیت برای شاه داشت شاهی که تکیه اش بر اندیشه فره ایزدی شاهان ایران پیش از اسلام بود. پایه های مشروعیت سنتی نیم بندی که تایید ضمنی یا حداقل سکوت روحانیت در مقابل نهاد سلطنت بود با رویارویی شاه و روحانیون از میان رفته بود و پایه های مشروعیتی که سعی در جایگزین ساختن آن داشت لرزان و سست بود. شاه سرگردان میان این دو، به این سو و آن سو می رفت، گاه جشن ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی

برپا می‌کرد و گاه قرآن چاپ می‌کرد و به زیارت خانه خدا می‌رفت .

در بُعد اقتصادی: ناتوانی رژیم در نیل به اهداف پیش‌بینی شده، به صورتی که «تا پایان برنامه پنج ساله پنجم (۵۷-۱۳۵۲) نه تنها هیچ یک از طرحهای بزرگ آن اجرا نشد بلکه تورم افزایش شدید یافت»<sup>۳</sup>.

شتاب برای هزینه کردن درآمدهای کلان نفتی بدون برنامه‌ریزی دقیق، اختصاص بیشترین درآمدها به گروه اقلیت خاصی که در رأس بودند، هزینه‌های سرسام‌آور بی‌مورد به ویژه در مورد جشنهای متعدد تاج‌گذاری و ۲۵۰۰ ساله و غیره که علاوه بر مشکلات اقتصادی، مسائل متعدد اجتماعی دیگری را نیز باعث می‌گردید.

«اطمینان رهبری سیاسی به کامیابی در زمینه توسعه کشور چنان بود که نه فساد را در همه سطح‌ها، به ویژه سطح‌های بالاتر، به چیزی می‌گرفت، نه پیوسته پرهزینه شدن طرحها و عقب افتادن آنها را»<sup>۴</sup>.

در بعد اجتماعی: پی‌آمدهای ناشی از اجرای برنامه‌های مخرب اصلاحات ارضی، و مهاجرت‌های گسترده روستائیان به شهرها، نارسایی خدمات اجتماعی، فقر و تهیدستی، فساد و تباهی مهار گسیخته‌ای که دولت خود مروج آن بود. وسایل ارتباط جمعی، مراکز متعدد فساد و اشاعه فرهنگ منحط غربی و صدها مورد دیگر همه و همه حیات اجتماعی ایران را در معرض تهدید جدی قرار داده بود.

اقدامات دیگری که دولت انجام می‌داد گرچه دارای اهداف سیاسی بود (همانند تغییر تاریخ هجری به شاهنشاهی) ولی بازتاب وسیع منفی اجتماعی را در پی داشت. یا جشن هُنر در سال ۱۳۵۶ که در مورد آن سفیر انگلستان چنین نظر دارد که: «... در هر زمان بد بود چه برسد به شرایط آن روز ایران»<sup>۵</sup> در تشدید هیجان عمومی مؤثر بود.

با جمع‌بندی شرایط و وضعیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی چنین می‌توان نتیجه گرفت که شرایطی پیش‌آمد که مردم را برای ابراز خشم و اعتراض همگانی آماده ساخت. «مبارزات عمومی سال ۱۹۷۸ (۵۷-۱۳۵۶) از همه بحرانهای قبل ریشه‌های عمیق‌تری در ساخت اقتصادی، اجتماعی ایران دارد، بخشهای عظیم‌تری از مردم ایران را به میدان کشانده است. بر عکس کلیه بحرانهای قبلی که عموماً محصولات تحولات بین‌المللی بودند این بحران کاملاً جنبه داخلی دارد»<sup>۶</sup>.

## فضای باز سیاسی و شهادت مصطفی خمینی

در شرایطی چنین آشفته در تمام ابعاد سیاسی، اقتصادی، تحولی در فراسوی مرزهای ایران، در آمریکا روی داد که در داخل ایران نیز هیات حاکمه وابسته را به برخی تغییرات واداشت.

سیاست فضای باز سیاسی که شاه پس از روی کار آمدن کارتر در پیش گرفت، سوپاپی بود برای پیشگیری از انفجاری که به سبب اختناق حاکم بر ایران برای آمریکائیان روی دادن آن قریب الوقوع می نمود. لیکن این علاج نه تنها مؤثر واقع نشد بلکه انفجار را شتاب بخشید و کنترل اوضاع را از دست شاه و آمریکا خارج نمود.

در شرایطی که تا چندی پیش بردن نام امام خمینی جرم محسوب می شد، خبر شهادت فرزند ارشد امام روند جریانات را تغییر داد و اینکه علی رغم میل رژیم نام امام خمینی بدون ترس و واهمه ای بر سر زبانها افتاد.

روحانیون پیرو خط امام از فرصتی که با شهادت حاج مصطفی یافته بودند، مجالس بزرگداشت ارتحال ایشان را در بسیاری از شهرهای ایران، با شکوه و عظمت خاصی برگزار نمودند و در این مجالس به افشای جنایتهای رژیم و ابلاغ اهداف قیام امام خمینی پرداختند.

باشکوهترین این مجالس در هشتم آبان ۱۳۵۶ در مسجد ارك تهران برگزار شد. در شهر تبریز آیت ا... قاضی مراسم ترحیم باشکوهی در مسجد شعبان که در اختیار وی قرار داشت منعقد نمودند که حضور دانشجویان مسلمان دانشگاه تبریز چشمگیر و قابل توجه بود.

«و این جریان وسیله ای شد که در ایران مجامع ترحیم مرتباً تشکیل بشود و خلاصه عدم رضایت سیاسی به این قسم خودش را بیان می کرد»<sup>۷</sup>.

امام خمینی در پاسخ به سؤال خبرنگار روزنامه فرانسوی لوموند در اردیبهشت ۱۳۵۷ که پرسیده بود: ... چرا مرگ وی علت انفجار و تظاهرات شده است؟ فرمودند: «... مطلب اصلی و اساسی پسر من نیست، مسئله اساسی، عصیان و قیام همه مردم بر ضد ستمگرانی است که به آنها ستم می کنند»<sup>۸</sup>.

امام خمینی در مراسم ختم حاج مصطفی سخنرانی مفصلی ایراد فرمودند که انعکاس وسیعی در میان ایرانیان خارج و داخل کشور یافت. نوارهای این سخنرانی در

سطح وسیعی تکثیر شده در سراسر کشور دست به دست می‌گشت و بر حرارت و هیجانات مردم می‌افزود.

امام خمینی (ره) در این سخنرانی مجلس ختم را به مجلس ارائه خط مشی و برنامه مبارزه علیه کل رژیم شاه و آفات و موانع این مبارزه تبدیل کرد. مبارزان را به استفاده از این فرصت به دست آمده ترغیب و تشویق نمود که: «نگذارید این فرصت از دست برود.»<sup>۹</sup>

علی‌رغم لطمه روحی که این حادثه در صحنه مبارزه وارد می‌ساخت، امام خمینی به گونه‌ای شگفت‌آور از آن به عنوان یکی از «الطاف خفیه الهی» یاد کردند.<sup>۱۰</sup>

شهادت حاج آقا مصطفی فرزند امام، فرزند کسی که در کانون توجهات بود مسئله‌ای نبود که مبارزان از آن به سادگی بگذرند بلکه این وسیله‌ای شد برای تداوم نهضت و حرکت. گرچه منابع ساواک تداوم نهضت و حرکت اسلامی را فعالیت‌های اخلاص‌گراانه عنوان می‌کردند، متن زیر بیانگر اعتراف ساواک به ادامه نهضت هرچه وسیعتر و عمیق‌تر شدن آن پس از درگذشت حاج مصطفی می‌باشد:

«... بعد از مراسم چهلمین روز درگذشت مصطفی خمینی، افراطیون مذهبی در دنباله فعالیت‌های اخلاص‌گراانه خود در ماه محرم، بار دیگر فرصتی پیدا کردند که تلاش‌های مضربه را در مقیاسی وسیعتر نمایند...»<sup>۱۱</sup> تقارن این شهادت و مجالس شب هفت و چهلم آن با ایام محرم و صفر، ماه‌های قیام و انقلاب خصوصاً در آن روزگار در گسترده‌گی و فراگیری نهضت نقش مهمی داشت.

### مقاله «ایران و استعمار سرخ و سیاه» پی‌آمدهای آن

مدتی بود که شاه و رژیم پهلوی از محبوبیت و مقبولیت روزافزون امام و شکسته شدن جو خفقان و مهیا شدن زمینه برای تظاهرات و حرکت، در خشم و اضطراب بسر می‌برد. در نتیجه تصمیم گرفته شد برای تخطئه رهبری که در کانون توجهات مردم قرار داشت، مطالبی بر علیه او منتشر شود. مقاله‌ای تحت عنوان «ایران و استعمار سرخ و سیاه» به دستور شاه در دفتر مطبوعاتی هویدا وزیر دربار تهیه گردید<sup>۱۲</sup> و در تاریخ ۱۷ دی ماه ۱۳۵۶ مصادف با سالروز کشف حجاب توسط رضاخان در روزنامه اطلاعات به چاپ رسید.

نکته قابل توجه آن است که شاه پیش از سفر کارتر به ایران در تاریخ ۹ دی ماه ۱۳۵۶، جرات چنین کاری را نداشته است، این مطلبی است که نزدیکان به شاه نیز آن را مورد تأیید قرار داده اند.<sup>۱۳</sup>

«... فراموش هم نباید کرد که آن مقاله، پنج شش روز، چهار پنج روز بعد از دیدار کارتر از تهران منتشر شد، کارتر قوت قلبی به شاه داد که برایش قابل تصور نبود به خیلی از حدود متعارف دیپلماتیک تجاوز کرد و در نتیجه شاه احساس کرد که دیگر محلی برای نگرانی نیست و الان وقتش هست که مبارزه ای که [امام] خمینی پیش کشیده و شروع کرده پاسخ بدهد.<sup>۱۴</sup> و با سرکوبی تظاهراتی که در دفاع از امام صورت گرفته است خفقان را بار دیگر حاکم کند.

غافل از اینکه «اهانت به امام انفجاری در قم ایجاد کرد که در درجه اول طلاب راه افتادند و تظاهرات کردند و ماموران رژیم هم تیراندازی کردند با اولین قطره های خونی که از بدن فرزندان امام صادق و فرزندان امام در قم ریخته شد این نهضت اوج گرفت<sup>۱۵</sup>» مقاصد چندگانه رژیم را از این اقدام می توان اینگونه برشمرد: سرکوبی روحانیون و طلاب مخالف رژیم. در یکی از گزارشات ساواک قم آمده است: «... شایع است بعد از مسافرت کارتر دولت جهت سرکوبی طلاب و روحانیون مخالف، تعمداً مبادرت به درج این مقاله کرده تا بتواند مسببین آشوب اخیر در سراسر کشور را شناسایی و بازداشت کند.»<sup>۱۶</sup>

همچنین ارزیابی شرایط پس از آغاز اجرای سیاستهای جدید به اصطلاح حقوق بشر کارتر، سنجش افکار عمومی و میزان نفوذ حضرت امام خمینی در میان مردم از دیگر مسائلی بود که رژیم در پی آن بود.

اما هدف اصلی رژیم به قول وزیر مشاور در امور اجرایی شاه چنین بوده است که: «... فکر می کردیم اگر به خمینی بگوییم هندی زاده، از چشم مردم ایران و ملت ایران می افتد<sup>۱۷</sup>...»، لیکن محاسبات رژیم در این مورد غلط از آب درآمد.

رژیم، گذشته از روزنامه های سراسری به درج مقالاتی در مطبوعات محلی نیز اقدام کرد از جمله در یکی از روزنامه های مشهد، آفتاب شرق، مطالبی بر علیه امام خمینی منتشر گردید.

در پی آن روحانیون و طلاب علوم دینی مشهد کلاسهای درس خود را تعطیل کردند

و در مقابل مدارس خان و میلانی و مسجد ملاحیدر مشهد اجتماعاتی تشکیل دادند. ۱۸  
انتشار مقاله «ایران و استعمار سرخ و سیاه» و اهانت به امام خمینی درست در زمانی  
که مردم ایران در پی تجلیل بی سابقه ای پس از درگذشت مصطفی خمینی، از امام کرده  
بودند، همانند جرقه ای بود که آتش انقلاب را در ایران روشن ساخت.

«یکباره شهر قم دومین شهر مقدس کشور و بزرگترین حوزه علمیه ایران به کانون  
آتش تبدیل گردید»<sup>۱۹</sup>. این مقاله یک قطره ای بود که به هر حال این کاسه لبریز را سرازیر  
کرد به طرف انقلاب.<sup>۲۰</sup>

پس از انتشار مقاله اهانت آمیز «ایران و استعمار سرخ و سیاه» و اهانت به امام چنان  
احساسات مذهبی مردم برانگیخته شد که آثارش به صورت یک انقلاب خونین، همچون  
سیلی خروشان پایه های سلطنت شاه را در هم ریخت.<sup>۲۱</sup>

خانم نیکی. آر. کدی از صاحب نظران مسائل تاریخ انقلاب اسلامی انتشار مقاله  
روزنامه اطلاعات و در پی آن قیام خونین مردم قم را در روند انقلاب اسلامی نقطه  
عطفی می داند که در پی آن ابتکار عمل نهضت ایران از دست نیروهای غیز مذهبی خارج  
و به دست مخالفین مذهبی شاه افتاد.<sup>۲۲</sup>

خانم مینو صمیمی نیز تقریباً نظری مشابه نظر بالا دارد: «که متعاقب انتشار مقاله و  
شورش قم یک مرتبه نام آیت . . . خمینی به عنوان «رهایی بخش مسلمانان از بند ظلم»  
ورد زبان مردم شد و از آن به بعد حرکتهای ضد رژیم عمدتاً رنگ مذهبی به خود  
گرفت.»<sup>۲۳</sup>

مسئله ای که در پی حوادث قم روی داد و در روند حوادث بعدی بدون اثر نبود تغییر  
رویه برخی از روحانیون برجسته ای بود که تا پیش از وقایع در حاشیه و کنار فعالیتهای  
ضد رژیم قرار داشتند<sup>۲۴</sup> و از حمله به رژیم خوداری می کردند بعد از این وقایع، زبان به  
انتقاد از رژیم باز کردند «حتی آیت الله شریعتمداری که پیوسته جانب احتیاط را مراعات  
می کرد از رفتار دولت سخت به انتقاد پرداخت»<sup>۲۵</sup>. لیکن بایستی توجه داشت این تغییر  
رویه دلیل دیگری دارد که بحث آن خارج از موضوع ما است.<sup>۲۶</sup>

نظریه ساواک در مورد حوادث و وقایع پس از انتشار مقاله چنین آمده است:  
«... همگامی هایی که چند تن از آیات حوزه علمیه قم (که تا قبل از حوادث دی ماه قم  
حالت بی طرفی داشتند) با روحانیون افراطی و افراطیون مذهبی به عمل آوردند تظاهرات

اخلالگری افراطیون در روز ۲۹/۱۱/۳۶ که از طرف آیات مورد بحث تعطیل و عزای عمومی اعلام شده بود، دامنه گسترده تری از گذشته یافته و در شهر تبریز به اغتشاش و تخریب تعدادی از مغازه ها و شعب بانکها و سینماها و تأسیسات دیگر گردیده است ...» ۲۷

\*\*\*

در پی قیام خونین مردم قهرمان قم موجی از اعتراضات سراسر کشور را در بر گرفت. بازارهای تهران، شیراز و مشهد به عنوان همبستگی با قیام حق جویان قم و اعتراض به جنایات رژیم تعطیل شد.

در ۲۰ و ۲۱ دی ماه در آبادان، اهواز، خرمشهر، دزفول، اندیمشک تظاهرات شدیدی صورت گرفت که حمله به چند موسسه دولتی را در پی داشت. در آباده مردم دست به تظاهرات زدند.

در ۲۲ دی امام خمینی یک هفته عزا داری برای شهیدان قم اعلام نمودند. در ۲۳ دی مردم شیراز پس از ختم جلسه همبستگی با مبارزین قم در مسجد جامع، تظاهرات پرشوری برپا کردند که به درگیری بانبروهای انتظامی منجر شد. مردم اهواز نیز در همین روز پس از ختم جلسه سخنرانی از حسینیه اعظم بیرون آمده و در خیابان زاهدی اهواز به راهپیمایی پرداختند و سینما آریا را که در این خیابان قرار داشت خراب کردند. مردم کرمان نیز به حمایت از مردم مبارز قم بپا خاستند و با برگزاری تظاهرات شدیدی جنایات رژیم را محکوم نمودند.

بازار پس از مبارزات روزهای بیستم و بیست و یکم دی ماه، مبارزه ای دیگر را در آخرین روز عزاداری اعلام شده آغاز نمود. روز ۲۹ دی ماه بازار تهران دست به اعتصاب عمومی زد. آذربایجانیهای بازار تهران اطلاعیه زیر را نشر دادند: «بازاریان شرافتمند تهران به دنبال کشتار دسته جمعی مردم مسلمان قم و اعتراض مراجع تقلید، آیات عظام به این رویه ضد اسلامی حکومت، بازاریان تبریز و شهرهای دیگر آذربایجان تعطیل و عزای عمومی اعلام شد. اینک که از طرف جامعه بازرگانان و پیشه وران بازار تهران روز پنجشنبه ۲۹ دی ماه تعطیل عمومی اعلام شده است، ما بازاریان آذربایجانی مقیم تهران این دعوت را اجابت و ضمن شرکت در تعطیل عمومی تسلیت خود را به پیشگاه جامعه روحانیت تقدیم می داریم. ۸ صفر ۱۳۹۸ - ۲۸/۱۰/۳۵۶ آذربایجانیهای بازار تهران ۲۸».



خبر اعتصاب بازار تهران سریعاً به اقصی نقاط کشور رسید و بازار شهرهای مهم دیگر همانند مشهد و شیراز به این مبارزه همگانی پیوستند. در تبریز علاوه بر اعتصاب عمومی تظاهرات وسیعی برپا گردید و مردم تبریز همبستگی خود را با جنبش و قیام مردم قم اعلام کردند. ۲۹

در پی قیام حماسه آفرینان قم موجی از اعتراضات گسترده، دانشگاههای ایران را در بر گرفت. ۳۰ در روز ۲۳ دی ماه تظاهرات دانشجویان دانشگاه آذربادگان (دانشگاه تبریز) به درگیری با پلیس انجامید که در روز بعد نیز ادامه یافت و به مجروح شدن عده‌ای از دانشجویان منجر گردید. ۳۱

در دانشگاه صنعتی تهران (صنعتی شریف) دانشجویان با پلیس به زد و خورد پرداختند، با شعارهای «مرگ بر شاه جلاد»، «زننه باد خاطره شهیدان قم» دست به راهپیمایی زدند. مجدداً دانشجویان دانشگاه صنعتی روز ۲۶ دیماه دست به اعتصاب زدند.

سه پرچم بزرگ را بر فراز بزرگترین ساختمان دانشگاه به اهتزاز در آوردند؛ که یکی از آن سه پرچم تصویر امام خمینی بود. روی پرچم دوم عکس شاه بود با جای خالی در محل قلب او و لکه‌های خون روی آن را نشان می‌داد و زیر آن نوشته شده بود «قاتل شهدا: شاه» و بر روی سومی به طور خلاصه شرح ماجرای قم و تعداد شهدا درج شده بود. منظره‌بی سابقه‌ای به وجود آمده بود. ۳۲

دانشجویان دانشگاه علم و صنعت و دانشگاه تهران نیز کلاسهای خود را تعطیل نمودند و دست به تظاهرات زدند. دانشجویان دانشگاه علم و صنعت در خیابان نارمک به راهپیمایی پرداختند چندین بانک و مؤسسه دولتی و وابسته را مورد حمله قرار دادند. در جلوی مسجد احمدیه اجتماعی برپا نمودند. بعد از مدتی پلیس و نیروهای انتظامی سر رسیده اجتماع دانشجویان را متفرق ساختند. عده‌ای از دانشجویان دانشگاه تهران به بازار رفتند که مورد استقبال بازاریان و مردم قرار گرفتند. ۳۳

### تبریز آماده قیام می شود

پس از قیام ۱۹ دی قم، شعارنویسی بر دیوارهای تبریز وسعت بیشتری یافت به طوری که ماموران موفق به پاک کردن نصف آن هم نمی شدند. نوارهای سخنرانی امام

قیام شورانگیز ۲۹ بهمن تبریز

خمینی و دیگر روحانیون در شهر تبریز به صورت گسترده‌ای دست به دست می‌گشت. یک هفته پیش از فرارسیدن چهلم شهدای قم در اکثر مساجد تبریز سخنرانیهای متعددی برپا بود که در آن مردم دعوت به مبارزه می‌شدند.

منابع ساواک نیز از انجام یک سلسله اقدامات تبلیغاتی، که از طریق انتشار اعلامیه‌های مختلف و گفتارهای وعاظ افراطی گزارش داده‌اند که زمینه ذهنی لازم را برای تحریک مردم به آشوب و بلوا فراهم ساخته است.<sup>۲۴</sup>

در تاریخ ۲۵ بهمن اعلامیه‌هایی از سوی آیات عظام و مراجع تقلید و روحانیون برجسته به مناسبت چهلمین روز فاجعه خونین حوزه علمیه قم صادر کردند.

در قسمتی از اعلامیه آیت‌ا... حاج سید محمدصادق روحانی آمده بود: «قریب چهل روز از فاجعه مؤلمه شهر مذهبی قم، حادثه خونین حوزه علمیه می‌گذرد قریب به چهل روز است جمعی از عزیزترین فرزندان ایران و سربازان روحانیت و اسلام از دست جنایتکاران و غارتگران شربت شهادت نوشیده‌اند و در آغوش خاک خفته‌اند...».

«... به همین مناسبت روز شنبه دهم ربیع الاول (۱۳۹۸ ه. ق) که مصادف با اربعین شهدای راه حقیقت و مدافعین از آزادی و حریم احکام اسلام است روز عزای عمومی اعلام می‌شود...».

اعلامیه‌های آیت‌ا... شریعتمداری به‌طور وسیعی بر در و دیوار شهر تبریز چسبانده شده بود. روز پنج‌شنبه ۲۷ بهمن اعلامیه‌ای از سوی آیت‌ا... قاضی طباطبایی صادر گردید،<sup>۲۷</sup> که در آن از مردم دعوت شده بود برای اعتراض قتل عام فجیع قم بپاخیزند و برای برانداختن رژیم پهلوی مبارزه کنند. این اعلامیه از تمام اهالی می‌خواست که روز ۲۹ بهمن اعتصاب کنند و مغازه‌های خود را ببندند و در عزای عمومی و مراسم ختمی که در مسجد میرزا یوسف آقا از ساعت ۹ تا ۱۲ برپاست شرکت کنند.

تبریز خود را برای روز موعود آماده می‌ساخت، نه برای برگزاری یک مجلس ترحیم ساده، بلکه قیامی گسترده مردمی، کارگران، دانشجویان، جوانان، بازاریان هیاتهای متعدد مذهبی در جنب و جوش بودند. کارگران کارخانه ماشین‌سازی تبریز در تدارک برگزاری مراسم ختم چهلمین روز شهدای قم بودند. ساواک تبریز در روز ۲۷/۱۱/۵۶ احتمال بروز تظاهرات شدید دانشجویان مبارز را در شهر و دانشگاه

تبریز به شهربانی اعلام کرده بود. ۲۸

هیاتهای مذهبی تبریز هنوز از حال و هوای عاشورایی خود بیرون نیامده بودند در هر محله ای هیاتی که دایر بود محل تجمع جوانان و نوجوانان انقلابی بود. از جمله دسته های عزاداری که در جریان نهضت اسلامی حضور فعال داشت، دسته «امیرخیز» است که در قیام ۱۵ خرداد ۴۲ در تبریز حماسه آفریده بود. یک بند از اشعار نوحه دسته امیرخیز در ۱۵ خرداد ۴۲:

«ای جماعت اولمیون تابع یزید جانیه ای» مردم تابع یزید جنایتکار زمان نشوید  
 «ایستوری آباد دینی دوندره ویرانیه» او می خواهد آبادی دین را به ویرانه مبدل سازد  
 «سرنوشت مسلمین دوشون ید بیگانیه» سرنوشت مسلمین را به دست بیگانه بدهد  
 (آمریکا)

«بولموسوز بو نکته نی، سیز بو حسین احساسید ور\*» شما این نکته را نمی دانید  
 این حسین زمان است که خطر را احساس می کند» (ترجمه از نگارنده)  
 اشعار و نوحه هایی که در آن ایام ورد زبانها بود همه حماسی و انقلابی بود. بوی خون و قیام می داد نمونه زیر یکی از آن اشعار است:

نهضت حسینی

ویردی حسین فرمان دین اوسته نهضت اولسون

بو نهضتيله روشن حق و حقیقت اولسون

حسین (زمان) فرمان داده است که نهضت اسلامی آغاز گردد تا با این نهضت حق و حقیقت آشکار شود.

قرآن بیزه هدفدور سرمایه شرفدور

اوللوخ بویولدا قربان زنده شریعت اولسون

قرآن مجید هدف و سرمایه شرافت ماست، در این راه فدا می شویم تا دین و

شریعت ما احیا گردد.

نهضت ایده جوانلار آخسون سواوسته قانلار

احکام دین یر اوسته قانندان کتابت اولسون

\* اشعار انقلابی دسته امیرخیز در ۱۵ خرداد ۴۲، نائب، بی جا، بی نا، بی ت ا، ص ۲.

جووانان ما قیام کنند و خونشان همچو آب جاری شود تا اجرای احکام دین خدا با خون در زمین کتابت شود.

اولسون یزید جانی، رسوای کل عالم  
ویرانه کاخ ظلم، اهل جنایت اولسون  
با این نهضت اسلامی یزید جانی رسوای جهانیان گشسته و کاخ اهل ظلم و جنایت  
ویران گردد.

بو فتنه جوی عالم تاگتمیوب آرادان  
غوغای اُمّتِیله لازمِدی نهضت اولسون  
و تا این فتنه جوی ظالم از میان نرفته است شور و غوغای امت مسلمان برای  
نابودی آن لازم است.

دیندن بری اولانلار قرآنی یا ندیرانلار  
امکانی یوخدی گلسون سلطان امت اولسون  
کسی که از دین به دور است و قرآن می سوزاند چگونه امکان دارد سلطان امت  
اسلامی می شود.

مشروبوخوار اولانماز اسلامیان امیری  
ای واژگون بو تاج و تخت ریاست اولسون  
چگونه مشروبوخوار می تواند امیر مسلمانان باشد ای کاش این تاج و تختش واژگون  
شود.

(آیا حسین روادی تبعید اولا و طندن  
ایلدن آرالی دو شسون مأواسی غربت اولسون  
(آیا حسین (خمینی) رواست که از وطن تبعید و به دور از پیروان خود در دیار غربت  
باشد

اولماز یزید اتسون بازیچه بازیچه مسلمینی  
پیغمبر او غلی دوز سون اوندا رضایت اولسون  
نمی شود که یزید مسلمانان را بازیچه خویش سازد و فرزند پیغمبر بشگرد و از آن  
خشنود شود

ایستور یزید گتسون احساس غیرت دین

قرآن دیور بشرده لازمدمی غیرت اولسون  
یزید (شاه) می خواهد غیرت دینی مردم از میان برود در حالی که قرآن می گوید لازم  
است هر فرد مسلمان غیرت دینی داشته باشد.  
اسلام کشورینده کافر ایده حکومت  
وارونه بیله دولت بیله حکومت اولسون  
در کشور اسلامی یک کافر حکومت نماید؟ ای وارونه چنین دولت و حکومت  
شود.

بیز قویماروق او ظالم پوزسو نظام دینی  
قانون کفر یله اجزای بدعت اولسون  
ما مسلمانان نمی گذاریم این ظالم نظام و هستی دینی ما را با اجرای قوانین بو  
انقلاب دینی آخریخار نیمار یزیدی  
دنیا بویی بو نهضت سرمشق امت اولسون  
این انقلاب دینی ما سرانجام یزید را سرنگون می سازد و تا جهان باقی است  
سرمشق امتهای دیگر می شود.

«تائب» قلم گوتورسن، دائم هدفلی سوزیاز  
دقت ایله سوزونده روح شریعت اولسون<sup>۲۹</sup>  
«تائب» هنگامی که قلم به دست می گیرد همیشه دقت کن مطالب هدفدار بنویسی  
که روح دینی داشته باشد.

با دقت در این نمونه کوچک از ادبیات مرثیه تبریز و تعابیر و اصطلاحات بکار رفته  
در آن و لحن حماسی و شورانگیز انقلابی آن بخوبی آشکار می گردد و حرکت مردم  
مسلمان تبریز و کلاً ایران برخاسته از متن اسلام و مذهب سرخ تشیع بوده است.  
این گونه ادبیات که مردم را به حرکت حسینی برای برانداختن سلطه یزیدی شاه و  
می داشت. این گونه اشعار انقلابی بود که خون مردم مسلمان را به جوش می آورد و امام  
حسین علیه السلام را از نو با چهره ای مبارز در سیمای امام خمینی تداعی گر بود.  
فقراتی از این شعر همچون بیت دوم «قرآن بیزه هدفدی، سرمایه شرفدی» در آن ایام در  
تظاهراتهای مردم تبریز فراوان به گوش می رسید، این یعنی کاربرد واقعی و کارایی  
عملی مذهبی سرخ تشیع در صحنه سیاسی اجتماعی.

## آغاز قیام، نقطه آغاز قیام، چگونگی قیام

صبح روز شنبه ۲۹ بهمن ۱۳۵۶

طلوع خورشید روز سرد زمستانی شنبه ۲۹ بهمن تبریز خبر از رخدادی عظیم می داد. مردم متشکل از همه اقشار از آغاز صبح در تاب و تب برگزاری مراسم چهلمین روز شهدای قم خونین بودند.

حتی برخی از مردم از ساعاتی قبل از آغاز ساعت ختم در مقابل مسجد میرزا یوسف آقا اجتماع کرده بودند. از همان ساعات اولیه صبح شبه دانشجویان، دانشگاه را به کلی تعطیل کرده بودند و به طور انفرادی روانه مسجد گردیده بودند. در این روز تمام مغازه ها، بازار حتی نانوایی ها و بعضی از حمامها هم تعطیل بودند.

هرچه به ساعت زمان آغاز ختم نزدیکتر می شد بر جمعیت متراکم عزاداران افزوده می شد. به طوری که شمار مردم به بیش از ۲۰ هزار نفر می رسید.<sup>۴۰</sup>

اما مردم با درهای بسته مسجد و نیروهای انتظامی که مسجد را در محاصره داشتند مواجه شدند، قره باغی از سران ارتش شاه در این مورد نظر دارد که «... البته خوب، بیشتر اونطوری که احساس شد، ناشی از دستور استاندار بود که گفته بود در مساجد رو ببندند، بسته بودند، راه نداده بودند»<sup>۴۱</sup>.

رئیس کلانتری ۶ تبریز، سروان حق شناس، مسئول اجرای این تصمیم استاندار آذربایجان شرقی - اسکندر آزموده بود<sup>۴۲</sup> این شخص در آزار و اذیت و شکنجه مبارزان تبریز خصوصاً سرکوبی تظاهرات دانشجویان نقش فعالی داشت.<sup>۴۳</sup>

با افزایش تراکم جمعیت و آغاز ساعت ختمی که آیت... قاضی طباطبایی اعلام کرده بود، زمزمه مردم در اعتراض به بسته بودن درب مسجد بلند شد. رئیس کلانتری ۶ با لحنی خشن ضمن فحاشی به مردم و اهانت به امام خمینی (ره) اعلامیه آیت... شریعتمداری را که به دیوار چسبانده شده بود، پاره کرد و گفت: «در طویله بسته است و دنبال کارتتان بروید»<sup>۴۴</sup> منظور او از طویله مسجد بود.

این چنین بی ادبی و اهانت گستاخانه به امام خمینی و مسجد، خانه خدا، چنان به غیرت مردم برخورد که خشم از چهره های آنان می بارید. جوانی از غیرتمندان تبریز که از سخنان توهین آمیز او به هیجان آمده بود، به سروان مذکور اعتراض نمود.<sup>۴۵</sup>

افسر کلانتری به طرف او در حالی که اسلحه در دست داشت حمله برد.

جوان سینه اش را باز کرد و گفت: «بزن، رئیس کلانتری ۶ با اسلحه ای که در دست داشت قلب جوان را هدف گرفته، شلیک نمود و جوان به شهادت رسید. ۴۶»

شلیک اسلحه کمری حق شناس و شهادت آن جوان همان و انفجار خشم دینی غیور مردان تبریزی همان. مردم با هر آنچه در دست داشتند از سنگ و چوب به نیروهای انتظامی که مسجد را در محاصره داشتند حمله ور شدند در هان لحظات اولیه، سروان حق شناس به سزای اعمال خویش رسید. و این جرقه آغاز قیام شور انگیز مردم تبریز بود.

نقطه آغاز قیام ۲۹ بهمن تبریز مسجد «میرزا یوسف آقا» معروف به «قیز للی مسجد» یا «خزینه مسجدی» می باشد. این مسجد در سربازار تبریز، انتهای خیابان فردوسی واقع شده است، که در اوائل قرن ۱۳ هجری قمری توسط حاجی میرزا یوسف طباطبایی بنیان شده است. ۴۷

مسجد میرزا یوسف آقا در جریان نهضت امام خمینی در تبریز یکی از کانونهای انقلاب بوده است، به طوری که پس از تبعید امام خمینی رژیم از ترس حرکات انقلابی مردم تبریز، مساجد زیر را تحت مراقبت قرار داده بود: «... میرزا یوسف آقا، صمصام خان، شهیدی، مقبره، شعبان، مسجد جامع و همچنین مرکز طالبیه طلاب در بازار ۴۸...».

پس از درگذشت مشکوک جهان پهلوان تختی دانشجویان دانشگاه تبریز در این مسجد برای او مجلس ترحیم و بزرگداشت بر پا نمودند. ۴۹ در آن ایام امامت این مسجد با آیت ا... سید احمد خسرو شاهی بود. شهید آیت ا... قاضی نیز در مسجد شعبان نماز می گذارد. این دو مسجد از اهمیت فوق العاده ای برخوردار بودند و نقش مهم و چشم گیری در آگاهی مردم و تحریک آنها برای ادامه مبارزه ایفا می کردند. ۵۰

مردم به غیرت آمده در حالی که پیکر اولین شهید قیام خویش را بر دست حمل می کردند، از بازار خارج گردیدند. مردمی که در راه به سوی مسجد می رفتند و دیگران به آنها پیوستند و به راه افتادند. رهبران قیام به خوبی می دانستند که اگر قیام را به بازار محدود سازند به زودی سرکوب خواهند شد. برنامه هایی که قبلاً دانشجویان مبارز تبریز در جلسات متعدد با آیت ا... قاضی تدارک دیده بودند با حرکت خود جوش مردمی توأم شده و به اجرا درآمد.

شعارهای آغازین لحظات قیام «صلوات»، «زننده باد خمینی» بود.<sup>۵۱</sup> مردم به رهبری دانشجویان و روحانیون مبارز به چند گروه تقسیم شدند و در خیابانهای مختلف حرکت کردند. مردم نواحی دورتر بازار در این روز در مساجد نزدیک به خود تجمع کرده بودند که با هماهنگی قبلی پس از ایراد سخنرانی، مبارزان مردم را به تظاهرات و قیام عمومی راهنمایی می کردند. به قولی در ۷۰ مسجد مردم گرد آمده بودند<sup>۵۲</sup> و در دستجات منظم و منسجم با پرچم مخصوص عزاداری هیأت هر محل به قیام می پیوستند. صدای رعده آسای مردم شهر را می لرزاند، تعداد مردم شرکت کننده به دهها هزار نفر می رسید.

اولین تاسیساتی که مورد حمله مردم واقع گردید ساختمان مرکزی حزب رستاخیز آذربایجان بود. هنگامی که مردم مقابل آن رسیدند با آنکه رگبار گلوله به سوی مردم می بارید در عرض چند لحظه این ساختمان و تمام وسائل تقلیه مربوط به آن را نابود کردند در این هنگام مردم شعار می دادند:

«رستاخیز ویران اولوب، عاشورا بر پا اولوب»\*

یکی از شاعران انقلابی تبریز در مورد ویرانی مقر حزب شاه ساخته رستاخیز و مراکز فساد در همان روز سروده است:

«مرحبا بر ضد رستاخیز، رستاخیز ما

مرحبا بر انقلاب مردم تبریز ما

در دو ساعت زیر و رو شد خانه صدها فساد

حزب رستاخیز ویران از رسواخیز ما»\*\*

مراکز فساد، مشروب فروشیهوا سینماها، بانکها اهداف دیگر خشم انقلابی مردم بود که یکی پس از دیگری در هم کوبیده می شد و از بین می رفت، مراکزی که تجلی وجود یک جامعه غیر مذهبی بود. کاخ جوانان که در نزدیکی بازار بود به سرعت به آتش کشیده شد. در همان ساعات اولیه قیام رئیس شهربانی تبریز بدون هیچ اقدام دیگری عجز خود را از کنترل اوضاع ابراز نمود.<sup>۵۳</sup> استاد لانه جاسوسی آمریکا اشاره دارد که:

\*. رستاخیز ویران شده، عاشورا بر پا شده.

\*\* از سروده های آقای تائب تبریزی، این اشعار در همان ایام بصورت جزوه چاپ گردید لیکن با جستجوی فراوان آقای تائب آن جزوه بدست نیامد و این دو بیت را ایشان از حافظه خویش نقل نمودند.



«تاکتیکهایی که شورشیان به کار می بردند نشانگر آمادگی کامل آنان بود. شورشیان اهداف مشخصی در سر داشتند»<sup>۵۴</sup>. قیام سازمان یافته مردمی تبریز در وسعتی به طول ۱۲ کیلومتر از دانشگاه آذربادگان در شرق تا ایستگاه راه آهن در غرب و در عرض ۴ کیلومتر از مقر حزب رستاخیز در شمال تا دو خیابان مانده به کنسولگری آمریکا در جنوب گسترده شده بود.<sup>۵۵</sup>

مردم در مسیر راهپیمایی خود هر آنچه وابسته به رژیم بود و سمبلی از سلطه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی امپریالیسم و صهیونیسم داشت از میان می بردند. حضور آیت ا... قاضی در پیشاپیش صف انقلابیون تبریز صلابت و صحت قیام را صد چندان نموده بود. این پیر مرید امام خمینی در این مسیر حتی از بذل جان نیز ابایی نداشت بطوری که حتی چند بار بر روی تظاهراتی که ایشان در آن حضور داشتند آتش گشوده شد.

یکی از جوانان غیرتمند تبریزی به نام قربانعلی شاکری در چهارراه دانشسرا زیر گلوله ماموران خور را به بالای مجسمه شاه رساند تا طنابی به گردن آن بیندازد و مردم آن را به زیر بکشند، اما گلوله به وی اصابت کرد و به شهادت رسید.

در محله دوه چی (شتربان) یعنی محله مبارز و فقیرنشین تبریز - که سابقه طولانی مبارزه داشت - نبرد سختی میان مردم و پلیس در جریان بود. نیروهای رژیم با همه وسایل موجود سعی در سرکوب مردم داشتند، گاز اشک آور و دود باروت گلوله مانند ابری آسمان را فرا گرفته بود.

در نقطه ای دیگر از شهر صحنه ای شورانگیز در حال وقوع بود. نیروهای امنیتی مردم را گلوله باران می کردند، گلوله سینه یک جوان را شکافت، خم شد، عده ای اطراف او را گرفتند که بیرند ولی دستش را روی سینه اش گذاشت و گفت چیزی نیست. این فرزند دلآور آذربایجان در حالی که با دست محل تیر را روی سینه می فشرد خود را به پای دیوار کشاند با خون خود روی دیوار نوشت: «از خون جوانان وطن لاله دمیده» و لحظه ای بعد به شهادت رسید.

در جریان زد و خورد شدید مردم با نیروهای پلیس، ساواک آمبولانسهایی را که باید برای انتقال مجروحان مورد استفاده قرار گیرد با نصب دوربین های فیلمبرداری به ماشین فیلمبرداری سیار تبدیل کرده و از مردم فیلمبرداری می کردند تا بعد، از آن برای

دستگیری افراد انقلابی استفاده شد. دانشجویان ناگاه متوجه این حيله ساواک شده خبر را به همه مناطق رساندند و در مدت کوتاهی مردم تمام آمبولانسهایی که به این منظور به کار گرفته شده بود را به آتش کشیدند.

در یکی از محلات (خیابان دانشسرا) مردم که از محل اقامت عده ای از مزدوران آمریکایی اطلاع داشتند و یقین داشتند که محل سکونت آنها مرکز و لانه فساد و خوشگذرانی می باشد به این مرکز هجوم برده نفرت و کینه خور را به مستشاران آمریکایی نشان دادند.

در محله ای دیگر سیل خروشان از مردم به خیابان شهناز شمالی سرازیر شده و سریعاً سینما آسیا را به آتش کشیدند. در اینجا نیز صحنه ای بی نظیر از احساسات مردم قهران تبریز آفریده شد. نوجوان ۱۴ ساله ای که برای آتش زدن طبقات بالای این مرکز پخش فساد و انحرف رفته بود، در میان آتش گیر افتاد. او خود را به بالای بام سینما رسانید به مردم گفت که او را بگیرند و از آنجا پایین برید، مردم او را گرفتند.

بزرگترین تخریب در پاساژ پهلوی که از مراکز عمده فساد و فحشا بود اتفاق افتاد. در این محل مشروب فروشیها، قمارخانه ها، رستورانها و مراکز فساد که به اعتصاب علی رغم تذکرات انقلابیون نیوسته بودند و حاضر هم به ابراز همبستگی نبودند به آتش کشیده شدند، مراکزی که هزاران جوان بی گناه و معصوم را به نابودی و تباهی اخلاقی کشانده بود.

گروهی دیگر از مردم باشعارهای «مرگ بر شاه جانی» «مرگ بر انقلاب سفید» مقابل کاخ استانداری به تابلو «لوايح انقلاب شاه و مردم» که روی صفحات بزرگی بر روی میله های آهنین نصب شده بود حمله ور شده آنها را از جای کردند. حوالی ظهر روز شنبه ۲۹ بهمن تقریباً شهر در دست مردم بود.

دانشجویان دانشگاه تبریز گذشته از آن تعدادی موفق به شرکت در قیام شده بودند دانشجویان باقی مانده، دانشگاه تبریز را به جبهه دیگری علیه رژیم تبدیل نمودند. پلیس و گارد دانشگاه از صبح شنبه دانشگاه را به محاصره در آورد. از سوی دانشجویان تظاهراتی در داخل دانشگاه بر پا شد به که زد و خورد شدید با پلیس و گارد منجر گردید. عده ای از دانشجویان صف محاصره را شکسته و به جمعیت تظاهرکننده داخل شهر پیوستند. در زد و خورد پلیس و دانشجویان تعداد زیادی از دانشجویان دستگیر و

گروهی نیز مجروح شدند. روزنامه رستاخیز در تحریف حقایق نوشت: «طبق اطلاع بین گروهی از دانشجویان مذهبی و دست چپی دانشگاه آذربادگان اختلاف افتاد.»<sup>۵۷</sup> شیوه عمل گردانندگان این قیام به این شکل بود که در مقابل هر یک از مؤسسات وابسته به رژیم یا امپریالیسم جهانخوار و مراکز فساد فعالین و رهبران قیام طی سخنرانی‌ها، دلیل به آتش کشیدن آنها را بیان می‌کردند و بعد آن محل به آتش کشیده می‌شد.

در اعلامیه‌ای که به امضای «دانشجویان مبارز مسلمان دانشگاه تبریز» بعد از قیام ۲۹ بهمن تبریز صادر گردید میزان خسارات وارده در این قیام به رژیم چنین عنوان شد:

- «تعداد بانک سوخته ۶۲ واحد
- تعداد بانکهای خرد شده ۹۷ واحد
- تعداد سینماهای سوخته شده ۳ واحد
- تعداد سینماهای خرد شده ۷ واحد
- تعداد اتومبیل سوخته شده ۳۷ واحد
- تعداد ادارات و سازمانهای دولتی خرد شده ۱۹۶ واحد
- تعداد ادارات و سازمانهای دولتی سوخته شده ۱۲ واحد»<sup>۵۸</sup>

### ارزیابی قیام و نظم انقلابی آن

در چهلّم شهدای قیام خونین طلاب قم شهر تبریز قیامی نمود که بزرگترین ضربه‌ای بود که به طور ناگهانی و غیر منتظره بر سلطنت پنجاه ساله پهلوی وارد ساخت و سر مشقی شد برای مردم شهرهای دیگر ایران.<sup>۵۹</sup>

کنسول آمریکا در تبریز پس از قیام تبریز نتیجه‌گیری کرد که این قیام: «دروازه‌ها را برای نبردهای مذهبی و اجتماعی که به سادگی آرام نخواهد شد، تکرار می‌شود، نخواهد شد، باز کرد»<sup>۶۰</sup>.

قیام تکبیر گویان مردم تبریز از قیام قم مهیب‌تر و دردناکتر بود که به راستی آن را می‌توان «قتل عام تبریز» نامید.<sup>۶۱</sup> خیرگذاریه‌های خارجی آن را بسیار وخیم تلقی کردند که نسبت به تظاهرات مذهبی قبلی در قم وسیعتر بود.<sup>۶۲</sup> قیامی که نمونه‌ای درخشان از استفاده سیاسی از سنتهای شیعی بود.<sup>۶۳</sup>

در این قیام بود که برای نخستین بار پس از قیام ۱۵ خرداد ۴۲ ارتش مستقیماً به سرکوبی مردم پرداخت ولی اولین نمونه‌هایی از پیوستن ارتش به ملت مشاهده گردید. ۶۴ تظاهرات چهلم قیام تبریز جنبه تقریباً سراسری شکور را پیدا کرده بود. مردم اصفهان، شیراز، یزد، جهرم و اهواز کشته‌هایی دادند و مراسم چهلم آنها در ۱۰/۱/۵۷ باعث تظاهرات و تجمع‌های بیشتری در داخله و توجه جدیدی در خارج به فجایع و وقایع ایران گردید. ۶۵

چون این قیام با برنامه ریزی دقیق قبلی دانشجویان مسلمان مبارز\* دانشگاه تبریز و روحانیت پیرو خط امام به رهبری آیت ا. . . قاضی بود چنان از گستردگی و عمقی برخوردار بود که مامورین ساواک هرچند روز شنبه، وضعیت شهر را غیرعادی ارزیابی کرده بودند اما از پیش بینی قیامی به این عظمت به دلیل همان برنامه ریزی دقیق آن عاجز ماندند. ۶۶

هرچند قیام تبریز همراه با تخریب و آتش سوزی و قهر انقلابی بود ولی مسئولان رژیم نتوانستند به مردم تبریز نسبت غارتگری بدهند و مدعی شوند که مردم بخاطر غارت و چپاول دست به شورش زده‌اند یا به خاطر نفع شخصی مکانی را تاراج کرده‌اند. دانشجویان مبارز مسلمان در این قیام نقش مهمی در نظم دادن به آن ایفا نمودند، سعی داشتند به عنوان سردمدار و هدایت کننده مردم، از خرابکاری بی هدف در جریان عمل جلوگیری نمایند، و مردم را از هرگونه غارت بازدارند.

مردم به بانکها حمله می کردند اما یک قطعه اسکناس هم بر نمی داشتند. هرجا بانکی در طبقه زیرین خانه مسکونی قرار داشت فقط به شکستن شیشه آن اکتفا می کردند. به هیچ یک از وسائل اماکن عمومی مورد تعرض واقع نشد اتومبیل های مردم در کنار خیابانها سالم بود ولی وسائل نقلیه دولتی و حزبی مورد حمله قرار می گرفت. به هیچ مدرسه و یا مرکز فرهنگی آسیبی نرسید. ۶۷

در این بین عناصری از ساواک میان مردم بودند و سعی داشتند که حرکت اصیل مردمی را منحرف کرده و آنها را به خرد کردن مغازه‌های عادی و معمولی بکشانند. اما

\* هر چند نمی توان منکر حضور دانشجویان با گرایش چپی در فعالیتهای ضد رژیم، خصوصاً هواداران مجاهدین خلق آن روز شد بایستی توجه داشت سازماندهی و هدایت این قیام توسط دانشجویان مسلمان و روحانیت بوده است.

هدایت دانشجویان، تلاش آنها را خنثی نمود. در یک قسمت دیگر که عناصری ساواکی مردم را تشویق به خرد کردن پرورشگاه کودکان می کردند. چند دانشجو با رفتن به جلوی نردهای پرورشگاه خور را سپر قرار دادند و با فریادهای بلند مردم را آگاه کردند و آنها فهماندند که این افراد مشوق حمله به پرورشگاه، مامورین ساواک هستند. ۶۸

نمونه های دیگر اینگونه اقدامات ساواکیهای میان مردم که با اقدام به موقع دانشجویان که تظاهرات را رهبری می کردند خنثی شد، موارد زیر است: الف: موقعی که یک صف طولانی از مردم پس از آتش زدن کتابخانه آمریکائیان از مقابل بیمارستانی عبور می کرد یک نفر شعار می دهد، بیمارستان را بسوزانند. اما بلافاصله یکی از رهبران تظاهرات طی سخنان کوتاه توضیح می دهد که این محل، محل بستری شدن بیماران مردم است، نباید آن را آتش زد و مردم را به ادامه راه دعوت نمود به دنبال آن مردم با نظم و آرامش از جلوی بیمارستان گذشتند حتی از دادن شعار برای رعایت حال بیماران خودداری نمودند.

ب: هنگامی که مردم تظاهرکننده به خیابان پهلوی سابق رسیدند از مقابل دبیرستان فردوسی و سینمای فرهنگیان و خانه معلمان می گذشتند یکی از همان عناصر ساواکی پیشنهاد سوزاندن خانه معلمان و سینمای فرهنگیان را می داد. یکی از دانشجویان با بیانات کوتاهی، فرق این مراکز فرهنگی را با موسسات متعلق به امپریالیسم و رژیم وابسته، توضیح داد. یادآوری کرد که این مراکز به برادران معلم و فرهنگیان مبارز سخت کوش متعلق است. بنابراین نباید به آن تعرضی صورت گیرد. ۶۹

ج: اشاره جالبی در اسناد لانه جاسوسی آمریکا به نظم انقلابی موجود در قیام وجود دارد: در گفتگویی که میان اسقف ارمنیهای تبریز و کنسول آمریکا در تبریز صورت گرفته اسقف توضیح داده است که چگونه یکی از تحت الحمایه هایش یعنی هنرمند ارمنی که گالری یا استودیوی کوچکش در نزدیکی مرکز اولین درگیری بود، قبل از اینکه گالریش را ببندد خود را مواجه با گروهی از مردم مبارز دیده بود. به دستور رهبران مسلمان و چند روز قبل از قیام کلیه مغازه ها و مراکز تجاری تعطیل گردید بودند، اما هنرمند ارمنی این دستور را نادیده گرفته بود. یکی از رهبران گروهی از مردم تظاهرکننده نگاهی به مغاره وی انداخته و به گروهش گفته بود که: «او یک هنرمند است ... ولش کنید» و بعد از تذکر به آن مرد ارمنی دایر بر اینکه مغازه اش را بسته به

خانه اش برود. بدو تعرض به آن به بانک نزدیک گالری حمله می کنند. اسقف ارمنیهای تبریز در روز قیام بطور دائم با خانواده های ارمنی که در سطح شهر پخش هستند در تماس بوده وی حتی از بصیرت و احتیاط مردم مبارز در تعجب بوده است.<sup>۷۰</sup>

### عوامل گسترش، انگیزه قیام و جوانب قیام

عواملی چند دست به دست هم داد تا این قیام که بدون تردید یکی از بزرگترین حرکت‌های توده خلق مسلمان علیه رژیم شاه بود روی دهد،<sup>۷۱</sup> در زیر به چند مورد از این عوامل اشاره می رود:

- برنامه قبلی قیام که با دقتی خاص در عرض چند ساعت تمام شهر تبریز را فرا گرفت به طوری که نیروهای امنیتی رژیم از کنترل اوضاع عاجز شدند.

- پس از اظهار عجز ساواک و شهربانی به دستور شاه، پادگان تبریز مسئول سرکوب قیام مردم شد ولی تعداد بسیار زیادی از سربازان و افسران جزء حاضر به اجرای آن نشدند. اخبار مقاومت دهها سرباز از گشودن آتش بر روی مردم بعداً منتشر شد. حتی شایع بود هفتاد نفر پاسبان را به جرم همکاری با مردم تیرباران نموده اند.<sup>۷۲</sup> این دو عامل یعنی خارج شدن کنترل اوضاع از دست ساواک و شهربانی از یک سو و مقاومت پادگان تبریز از سوی دیگر به این قیام و انقلابیون فرصت داد که آنچه پیام و هدف قیام بود به نحو کامل اجرا نمایند. نظریه ساواک در این مورد چنین بود که: «... در این میان چنانچه از علل اجتماعی، سیاسی، مذهبی و اقتصادی تبریز گذشته، مقصر واقعی در ایجاد و تشدید این حادثه مورد نظر باشد می توان ناتوانی، بی تصمیمی، جبن و دستپاچگی و ترك محل خدمت رئیس سابق شهربانی آذربایجان را عامل اساسی و مؤثر دانست<sup>۷۳</sup>».

- از عوامل دیگری که در گستردگی حرکت سراسری انقلاب مؤثر بود به حضور زنان در صحنه مبارزه، می توان اشاره کرد. «برای اولین بار زنان در مشهد به عنوان اعتراض به روز ۱۷ دی راهپیمایی می کنند... این حرکت تشویقی می شود که در جریانات بعدی خانمها شرکت می کنند و به حرکت‌های انقلابی دامن می زنند<sup>۷۴</sup>».

حضور گسترده زنان چه در قیام خونین ۱۹ دی ماه قم و چه در قیام تکبیر گویان ۲۹ بهمن تبریز در چنان حدی بود که هرگز تا به آن روز دیده نشده بود.<sup>۷۵</sup>

- عامل مهم دیگری که هم در قیام قم و هم در قیام تبریز در گسترش و گستردگی نهضت مؤثر بود حضور دانش آموزان و نوجوان بود. در ساعت ۱۲ روز ۲۹ بهمن تبریز که قیام در جریان بود ناگه با تعطیلی مدارس هزاران نوجوان به خیابانها ریخته و به قیام پیوستند و کثرت و عظمت دو چندان به نهضت دادند،<sup>۷۶</sup> نیروهای تازه نفس پر حرارتی که جای شهدای این قیام اسلامی را پر می کردند.

برخی از نویسندگان علی رغم اینکه انگیزه مذهبی را نیز مهم ثمرده اند، سعی دارند که به این قیام انگیزه قومی و ملیتی بدهند که «... قیام تبریز قیام یک ملیت ستمزده علیه رژیم که پنجاه سال بر این ملیت ستم کرده اند...»<sup>۷۷</sup>.

یا خانم نیکی. آر. کدی وجود تمایلا استقلال طلبانه و خودمختاری طلبی مردم آذربایجان را مطرح می سازد. «احساسات و اعتقاد (تا حدی درست) بعضی از آذربایجانیها که آن خطه را دولت مرکزی به دست فراموشی سپرده و در نتیجه وجود تمایلات استقلال طلبانه و خواهان خودمختاری در آنها، نیز حرکت مزبور را تعدیه کرد»<sup>۷۸</sup>.

اما آنچه که در تاریخ آذربایجان بیش از هر عامل دیگر نقش آفرین بوده، انگیزه مذهبی می باشد. تاکید و پافشاری بر اصول مذهبی در میان مردم آذربایجان نکته ای است که حتی دشمنان انقلاب اسلامی نیز به آن معترف هستند: «تنها چیزی که در مورد حادثه تبریز می توانیم بگوئیم این است که این واقعه تجلی احساسات مذهبی بوده است»<sup>۷۹</sup>.

هر چند انگیزه قومی را نمی توان به طور کلی نادیده گرفت اما در آذربایجان همواره تابع مذهب تشیع بوده است. نمونه تاریخی جالب آن حکومت پیشه وری است: مردم آذربایجان علی رغم تمام مظالم و مفساسدی که حکومت پهلوی داشت، چون این حکومت وابسته به شوروی با مبانی مذهبی و اعتقادی آنها تباین داشت با عدم حمایت از آن، این حکومت به راحتی سقوط کرد و در این ماجرا ارتش و محمدرضا نقش اساسی نداشتند<sup>۸۰</sup>. مهمترین عامل سقوط آنها نداشتن مشروعیت مذهبی در میان مردم آذربایجان بود.

پس از قیام تبریز دولت هیات عالیه بازرسی به ریاست ارتشبد شفقت برای بررسی به تبریز فرستاد روحانیت تبریز در تاریخ ۴/۱۲/۵۶ در اعلامیه نظر روحانیت تبریز را در

جریانات اخیر اعلام نمود:

۱- حادثه اسفبار قم که منجر به قتل عده‌ای بی‌گناه گردید، احساسات مذهبی مردم در سراسر کشور را جریحه دار ساخت.

۲- تا چهل روز کوچکترین قدمی در جبران و تدارک آن حادثه مؤلمه از طرف مقامات برداشته نشد.

۳- مردم تبریز طبق دستور مراجع عظام تقلید با ایمان به نظم و آرامش اربعین مظلومین قم را که به عنوان عزای عمومی اعلام شده بود به سوگ و ماتم می‌پرداختند.

۴- پلیس در مسجد را بسته و مأمورین خود را مستقر ساخت و از ورود مردم به مسجد ممانعت کرد، خشونت و فحاشی و شروع به تیزاندازی که منجر به قتل گردید منشا انفجار گردید و زمینه برای وضع موجود فراهم شد.

۵- خواسته‌های حضرت مستطاب آیت‌الله العظمی آقای شریعتمداری مد ظله العالی و سایر مراجع تقلید خواسته همه علمای اعلام است.

۶- بی‌اعتنایی به خواسته مردم مسلمان کشور و اظهار نظر ناهلان در مسائل اسلامی در جراید و غیره سبب انزجار و عصبانیت افکار شده... سید محمد علی قاضی طباطبایی، عبدالمجید واعظی، سید حسن انگجی...<sup>۸۱</sup>.

در این اعلامیه روحانیت تبریز، انگیزه این قیام به خوبی تشریح شده است که «به عنوان طرفداری از حریم مقدس دیانت و مقام شامخ روحانیت<sup>۸۲</sup>». بودن چیز دیگر.

قیام ۲۹ بهمن تبریز دارای جوانبی است که شایسته توجه و دقت است. با دقت در عملکرد قیام و اماکنی که توسط قیام از میان رفته است این جنبه‌ها به خوبی آشکار می‌گردد. حمله مردم به استانداری و مرکز حزب رستاخیز آذربایجان جنبه نفی سیاسی حکومت شاهنشاهی و مخالفت با حاکمیت رژیم داشت.<sup>۸۳</sup> «نگاهی به اقدامات شورشگرانه روز اخیر به علاوه اطلاعات دیگر نشان می‌دهد که رویدادهای تبریز مشخصاً حالت ضد رژیم داشته است<sup>۸۴</sup>». حمله به سینماها به خاطر نمایش دادن فیلم‌های غیراخلاقی بود. حمله به مشروب فروشها و مراکز فساد اعتراض مردم به فساد گسترده اجتماعی بود که دولت خود مروج آن بود.

یکی از روزنامه‌های وابسته به رژیم در روز سوم اسفند در رابطه با بانکهای آسیب دیده تبریز چنین نوشت: «در بین بانکهای تبریز بانک صادرات از همه بیشتر آسیب دیده



است. به گفته خوبی سرپرست بانکهای صادرات منطقه آذربایجان، در حادثه اخیر ۳۹ شعبه این بانک به کلی سوخته و ۶۵ شعبه آن آسیب کلی دیده است<sup>۸۵</sup>. در اسناد لانه جاسوسی آمریکا در مورد رابطه مردم انقلابی تبریز و بانک صادرات آمده است: «شعبات بانک صادرات هدف اصلی آنها بود<sup>۸۶</sup>». «از حوادثی که در پیوند مبارزه جویانه اخیر بازار و علما به وقوع پیوست، یکی هم مبارزه در جهت جلوگیری از افتادن کنترل بانک صادرات ایران که پرشعبه ترین بانک خصوصی مملکت بود... به دست یک نفر بهایی به نام یردانی بود<sup>۸۷</sup>».

این یکی از جوانب قیام شورانگیز تبریز بود یعنی مبارزه عملی با بهائیت و سلطه اقتصادی، سیاسی رو به تزاید صهونیسم جهانی، که در ویرانی و نابودی گسترده بانکهای صادرات به وقوع پیوست.

جنبه ضد آمریکایی و ضد امپریالیستی این قیام تاریخی در حمله مردم به اقامتگاه مزدوران آمریکایی و کتابخانه آنها به منصفه ظهور رسید.<sup>۸۹</sup>

جنبه دیگری که این قیام مردمی اسلامی حمله به دفتر اوقاف تبریز کانون برخی از معممین و روحانی نمایان وابسته به دولت بود، اینان جنایت بارترین اعمال ضد اسلامی. ضد اخلاقی را به عنوان مذهب رسمی مرتکب می شدند و دست در دست حکومت داشتند.<sup>۹۰</sup>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

سال هفتم علوم انسانی

### سرکوبی قیام:

با عجز نیروهای شهربانی و ساواک از سرکوبی قیام و مقاومت پادگان تبریز از گشودن آتش به روی مردم، مسئولان رژیم نظامیان را از پادگان مراغه و عجب شیر به تبریز اعزام کردند. شهر در اواخر بعد از ظهر به دست نظامیان و تانکها و نفربرهای آنان سپرده شد و نظامیان مردم را به تیر مستقیم هدف قرار دادند.<sup>۹۱</sup>

نیروهای هواپرد با مسلسل‌هایی که در هیلکوپترها کار گذاشته شده بود از هوا مردم را به رگبار گلوله بستند. مردم از جان گذشته تبریز از زمین و آسمان مورد اصابت گلوله قرار می گرفتند.

در جلوی کلانتری ناحیه ۳ تبریز که به دست مردم افتاده بود، مبارزه سختی بین مردم و ارتش در گرفت. مردم علی رغم دهها شهید و صدها مجروح سرسختانه

مقاومت می کردند.

در بعضی از خیابانها مردم به مقابله با تانکها و زره پوشهای ارتش پرداخته بودند، چند تن از مبارزان در زیر تانکهای ارتش به شهادت رسیدند. من جمله در خیابان ثقه الاسلام که تانکها و زره پوشها مردم را در خیابان دنبال کرده بود برای برهم زدن صف مردم به میان جمعیت آمدند.

در چهار راه دانشسرا ارتش از چهار طرف مردم را در محاصره آتش سلاحهای خود قرار داده بودند چندین نفر از مردم به خاک افتاده به شهادت رسیدند. تا ساعت ۹ شب صدای گلوله در شهر گوش می رسید. از دهها نقطه دود بلند شده بود شهر تبریز حالت شهری جنگ زده داشت از ساعت ۹ شب به بعد شهر کم کم آرام شد.

صبح یکشنبه ۳۰ بهمن مجدداً تظاهرات خیابانی و مبارزه آغاز گشت. صدای تیراندازی باز فضای شهر را در برگرفت. تعداد زیادی از دهقانان و روستائیان اطراف تبریز با اطلاع از اینکه «در تبریز جهاد شده است» برای شرکت آمده بودند.

این روز در چندین نقطه دیگر از شهر تبریز مراکز دولتی و وابسته به شاه و دربار مورد حمله مردم واقع گردید. هم زمان با تظاهرات مردم در شمال شهر تبریز، مبارزان را دارمخابرات را که در بالای کوه «عون بن علی» قرار داشت، منفجر کردند، که در نتیجه برنامه تلویزیونی قطع گردید و ارتباط تلفنی بین شهرهای آذربایجان بهم خورد. پس از گذشت یک روز و یک شب ارتش هنوز نتوانسته بود بر اوضاع مسلط شود. خبر گذاریهای خارجی خبر دادند که روز یکشنبه ۳۰ بهمن نیز درگیری گروههای تظاهرکننده با مأمورین پلیس و افراد ارتش به طور پراکنده در تبریز ادامه داشت.<sup>۹۲</sup>

با پایان روز یکشنبه قیام عظیم تبریز به پایان رسید. از ساعت ۷ شب روز یکشنبه ۳۰ بهمن حکومت نظامی برقرار گردید.

هم زمان با ورود ارتش و سرکوب قیام، اقدام دیگری در جهت کاهش هیجان قیام صورت گرفت: «در بعد از ظهر در شهر تبریز، تعدادی از روحانیون سرشناس تبریز با آیت ا... سید کاظم شریعتمداری در شهر قم تماس گرفته اند و به نقل از اظهارات وی اعلامیه ای به مضمون زیر تهیه کرده اند:

بسمه تعالی

به مقتضای دستور تلفنی که هم اکنون از ناحیه مبارکه مرجع حضرت آیت ا...

العظمی مخابره شده، اهالی آذربایجان را طبق اعلامیه ای که سابقاً منتشر نموده اند، دعوت به آرامش و سکوت نموده اند. بستن مغازه ها و عزاداری آرام به معنای پشتیبانی از حوزه علمیه است، هرگونه اظهار تشنج و تظاهرات زیانبار جائز نیست، لذا با تشکر از احساسات حقیقی مردم آذربایجان مخصوصاً تبریز، لازم است عموم مردم از این ساعت در منزل خود باشند و اجازه ندهند که از پشتیبانی بی آایش دینی مردم سوءاستفاده شود و افراد، بازار را باز و مشغول زندگی آرام خود باشند. . . اعلامیه مذکور تکثیر و در نقاط مختلف شهر تبریز پخش و الصاق گردیده است»<sup>۹۳</sup>.

از لحن این گزارش ساواک چنین بر می آید گویا ساواک در تکثیر و پخش و الصاق این اعلامیه نقش فعالی در تبریز داشته است اگرچه وجود عناصری از ساواک در میان روحانیون امر بعید نیست، با این حال اگر هم این اقدام چند روحانی را از روی حسن نیت تلقی کنیم ساواک از این حرکت حداکثر استفاده را در جهت اهداف خویش نموده است.

در جریان این حرکت اسلامی تعداد زیادی از مردم مجروح شدند شمار مجروحان به اندازه ای بود که در بیمارستانهای تبریز برای مداوای آنها جای کافی نبود راهروها و راه پله های بیمارستانها نیز انباشته از مجروحینی بود که زیر نظر ماموران ساواک قرار داشتند.<sup>۹۴</sup>

در منابع ساواک تعداد شهدا و مجروحان این قیام «۱۲ نفر کشته و حدود ۱۰۰ نفر مجروح» آمده است.<sup>۹۵</sup>

اما این تعداد هیچ گاه واقعی نبود، تعداد شهدا و مجروحان از مرز صدها تن می گذشت. یک نویسنده از تهران چهل و هشت ساعت بعد از حادثه گزارش می کند: «دروازه های شهر را بسته اند. تعداد کشته شدگان قریب هزار نفر است، بیش از سه هزار نفر بازداشت شده اند. شهر حکومت نظامی است. البته مردم عملاً قیام کرده بودند جنبش عظیمی است که یادآور وقایع مشروطیت است»<sup>۹۶</sup>.

در منبعی دیگر آمده است: «طبق آخرین خبر رسیده. متجاوز از ۴۰۰ نفر در قیام تبریز به شهادت رسیده اند»<sup>۹۷</sup> با توجه به این نکته که مردم پیاخاسته تبریز مجروحان و شهدای خویش را با خود می بردند تا به دست ماموران نیفتند، تعداد تقریبی نزدیک به واقع شهدای این قیام بین بیست الی هفتاد نفر شهید برآورد می گردد مسلماً چندین برابر

این تعداد مجروح داشته است.

## واکنش رژیم و وابستگان آن در مورد قیام ۲۹ بهمن تبریز

اولین واکنشی که حکومت پس از اعلام حکومت نظامی در تبریز داشت آغاز موج دستگیری افرادی که مظنون به شرکت در قیام بودند. پس از پایان روز ۲۹ بهمن تنها در طول ۴۸ ساعت ۶۲۱ نفر از دانشجویان روانه زندان شدند.<sup>۹۸</sup>

اقدام دیگر رژیم که توأم با این دستگیریها بود، تعویض و تنبیه قاصرین واقعه قیام مردم تبریز است. «شاه برای تنبیه قاصرین واقعه تبریز یک هیات بازرسی به آن شهراعزام داشت<sup>۹۹</sup>». شاه دستور داد تا مأمورانی که در پیش‌بینی و جلوگیری از واقعه تبریز قصور کرده‌اند تنبیه شوند.<sup>۱۰۰</sup> ۹ اسفند رستاخیز نوشت: «سپهبد آزموده که در زمان وقایع بهمن ماه تبریز، استاندار آذربایجان شرقی بود به تهران احضار گردید. در پی قیام مردم تبریز، رئیس شهربانی آذربایجان، تسلیم «کمیسون بررسی واقعه شد.» دولت کوشید تا با کنترل مطبوعات و رادیو تلویزیون پس از قیام تبریز، تا حد مقدور آن را یک مسئله بی اهمیت جلوه دهد. مسئولین حزب رستاخیز اولین طرفداران شاه بودند که در این خصوص موضع‌گیری کردند:

هلاکو رامبد: «عوامل آشوب تبریز معلوم نیست کی و از کدام مرز وارد ایران شده‌اند<sup>۱۰۱</sup>». وی در روز بعد گفت: «کمونیستهای شناخته شده سبب اغتشاش تبریز بوده‌اند<sup>۱۰۲</sup>». جعفریان در اجتماع اعضای حزب رستاخیز تبریز چند روز بعد از قیام اعلام کرد: «آشوبگران که تبریز را به آتش کشیدند تبریزی نبودند<sup>۱۰۳</sup>».

کلماتی نظیر کمونیستهای شناخته شده، مزدوران خارجی، مارکسیستها، مارکسیستهای اسلامی به طور خسته کننده از سوی دبیران حزب رستاخیز در مطبوعات و رادیو تلویزیون تکرار می‌شد. این ادعا چنان بی اساس بود که حتی آمریکاییان نیز آن را قبول نداشتند: «علی‌رغم اعلامیه‌های رسمی که جمعیت را «مارکسیستهای اسلامی» معرفی می‌کرد، در محل، نظرات غیررسمی حاکی از این بود که این اصطلاح هیچگونه معنا و مفهومی در مورد آنچه که در آذربایجان اتفاق افتاد، ندارد<sup>۱۰۴</sup>».

شاه در ۸ اسفند به مناسبت روز آزادی زنان در ورزشگاه بزرگ تهران سخنرانی تندی کرد و در آن به رهبران مذهبی حمله نمود<sup>۱۰۵</sup> در قسمتی از صحبت خود

گفت: «سیاست حداکثر آزادی را ادامه خواهیم داد زیرا ارکان این مملکت بر اساس انقلاب شاه و ملت چنان قوی است که مظاهر واپسین جان کنندگان اتحاد نامقدس سرخ و سیاه نمی تواند به آن خلل وارد کند»<sup>۱۰۶</sup>. شاه پس از واژگون شدن نخستش در کتاب پاسخ به تاریخ می نویسد: «... در واقع طبق سنن اسلامی والدین و دوستان شخص متوفی در چهلمین روز پس از مرگش می بایست بر سر قبر او حضور یابند گمان ندارم تاکنون اینگونه بی شرمانه از مرگ کسی برای رسیدن به هدفهای سیاسی استفاده شده باشد»<sup>۱۰۷</sup>. شاه به خوبی دریافته بود، آنچه کارش را خراب کرد «تاکتیکهای عزاداری» بود و در این بدگویی محق است.

مهمترین اقدام تبلیغاتی رژیم، به راه انداختن تظاهرات به اصطلاح میهنی در مقابل تظاهرات مردمی بود که حزب رستاخیز مسئول اجرای آن گشت ولی اجرای این نقشه با سوءاستفاده از مقام و موقعیت آیت الله شریعتمداری انجام گرفت. از چند روز قبل عوامل ساواک و رستاخیز در شهرها و روستاهای آذربایجان به راه افتادند و همه جا شایع کردند که روز ۱۹ فروردین جمشید آموزگار همراه آقای سید کاظم شریعتمداری به تبریز خواهد آمد تا در جمع مردم صحبت کنند و برایشان علل ماجرای ۲۹ بهمن ۵۶ را روشن نمایند. البته روشن است که شنیدن خبر حضور آیت... شریعتمداری در تبریز چگونه می توانست مردم را به محل نمایش بکشاند و دوربینهای خبرنگاران نیز گرد آمدن جمعیتی کثیر را به عنوان طرفداران شاه به ثبت برساند. در بالای صحنه هم یک آخوند درباری در کنار جمشید آموزگار و جعفریان ایستاده بود تا مردم از راه دور او را همان آیت... شریعتمداری تصور کنند»<sup>۱۰۸</sup>.

شاه از این تظاهرات نمایشی با لحن خاصی صحبت می کند که: «چند هفته نگذشته بود که نخست وزیر من آقای آموزگار برای برقراری تماس با مردم به استانها سفر کرد و سیصد هزار نفر در تبریز گرد او را گرفتند، دقیقاً در همین تبریز که شورشهای ماه فوریه [۲۹ بهمن ۱۳۵۶] موجب شد تا مردم درباره من و دولت من به شک بیفتند»<sup>۱۰۹</sup>.

جمشید آموزگار پس از این تظاهرات ساختگی در جمع خبرنگاران گفت: «علت تشکیل این متینگ این بود که مردم آذربایجان از طریق حزب رستاخیز نشان دهند که آنان که در تظاهرات ۵۰ روز قبل شرکت کردند، آذربایجانی نبودند، ولی از آن جا که انجام این تقاضا قبل از نوروز ممکن نبود کار به امروز موکول شد»<sup>۱۱۰</sup>.

اما این تظاهرات نمایشی که با سوء استفاده از احساسات مذهبی مردم شکل گرفته بود نه تنها شور و هیجانی نداشت بلکه بین جمعیت گرد آمده نیز زد و خوردهایی روی داد و در مجموع به قول پارسنز: تلاش دولت موفقیت آمیز نبود<sup>۱۱۱</sup>.

پس از قیام تبریز و یزد دولت علاوه بر اقدامات پلیسی برضد مردم، کوششهایی از طریق حزب رستاخیز صورت گرفت، یک «کمیته راهنمایی و اطلاعات» که هدف آن تشریح توطئه‌هایی برای مردم بود که بر طبق گفته دولت از خارج هدایت می شود تا مملکت را نابود سازد، تشکیل شد و همچنین کمیته دیگری به نام «کمیته اقدام سراسری» در پایتخت و مراکز استانهای شکل گرفت تا با اغتشاشات مبارزه نماید<sup>۱۱۲</sup>.

مقامات آمریکایی پس از قیام تبریز در مناسبتهای گوناگون حمایت کامل خود را از شاه اعلام می کردند از جمله در تاریخ ۱۱/۱۲/۱۳۵۶ ویلیام سولیوان سفیر آمریکا در دربار شاهنشاهی در یکی از کلوپهای شهر سانفرانسیسکو در مورد ایران سخنرانی نمود و در آن از عدم لیاقت مردم ایران برای دادن آزادیهای اجتماعی اظهار تأسف کرد: «به علت آزادیهای اجتماعی در ایران بالطبع در وقایع اخیر تبریز مقامات انتظامی دخالت نکرده تا جایی که متأسفانه در تظاهرات تبریز خسارتهای زیادی وارد آمده<sup>۱۱۳</sup>».

یک هفته پس از واقعه تبریز وزیر امور خارجه ایران برای انجام مذاکراتی وارد بغداد شد. به احتمال قریب به یقین این سفر در رابطه با رهبریهای سیاسی امام و قیام مردم قم و تبریز بود<sup>۱۱۴</sup>.

### امام خمینی (ره) و قیام تبریز:

امام خمینی به عنوان رهبری مبارز و پیشوایی آشتی ناپذیر که از تبعیدگاه خود بر جریان نهضت نظارت داشت و رهبری می نمود پس از قیام شورانگیز ۲۹ بهمن مردم تبریز، قیامی که جرقه آغاز آن اهانت به او بود، پیامی سراسر نوید و تحسین برای مردم آذربایجان صادر نمودند.

حضرت امام مردم آذربایجان را چنین مورد خطاب قرار می دهند: «سلام بر اهالی شجاع و متدین آذربایجان عزیز: درود بر مردان برومند و جوانان غیرتمند تبریز که در مقابل دودمان بسیار خطرناک پهلوی قیام کردند. و با فریاد «مرگ بر شاه» خط بطلان بر گزافه گویی های او کشیدند. زنده باشند مردم مجاهد عزیز تبریز که با نهضت عظیم خود

مشت محکم بر دهان یاوه گویان زدند...».

امام خمینی در این پیام خود نه به مردم آذربایجان بلکه به مردم ایران نوید می دهد، نوید پیروزی نهایی: «من به شما اهالی محترم آذربایجان نوید می دهم، نوید پیروزی نهایی شما. آذربایجانیان غیور بودند که در صدر مشروطیت برای کوبیدن استبداد و خاتمه دادن به خودکامگی و خودسری سلاطین جور پیاخاستید و فداکاری کردید:

هدف امام، نهضت و حرکتی است سراسری تمامی مردم ایران نه تنها آذربایجان برضد دودمان پهلوی: «اهالی معظم و عزیز آذربایجان اید هم الله تعالی بدانند که در این راه حق و استقلال و آزادی طلبی و حمایت از قرآن کریم تنها نیستید، شهرهای بزرگ چون شیراز، اصفهان، اهواز و دیگر شهرها و مقدم از همه قم مرکز روحانیت و پایگاه حضرت صادق سلام... علیه و تهران بزرگ با آنها همصدا و هم مقصد و همه و همه در بیزاری از دودمان پلید پهلوی شریک شمایند...»

امام خمینی با فرا رسیدن اربعین شهدای قیام تبریز پیامی دیگر به ملت ایران به این مناسبت صادر نمود در گوشه هایی از این پیام آمده است: «با فرا رسیدن اربعین مقتولین مظلوم تبریز غم های ملت غیرتمند تجدید می شود ملت مظلوم ایران باید هرچند صباحی پرچمی سیاه افراشته کند...»

«... کشتار بیرحمانه قم ایران را به هیجان آورد و تبریز را به قیام همگانی مردانه در قبال ظلم و بیادگری نشانند و کشتار دسته جمعی تبریز ملت غیور ایران را چنان تکان داد که در آستانه انفجار است، انفجاری که دست اجانب را به خواست خدای متعال برای همیشه قطع کند...»

امام خمینی قیام تبریز را نهضت همه ایران اسلامی می داند که برای دفاع از حق و از احکام اسلام است. «نسبت دادن قیام را به مارکسیست ها یا مارکسیست های اسلامی که در تبلیغات شاهانه است جز خدعه نیست و دلیل برآن است که این مکتب های انحرافی پایگاهی در ایران ندارد والا شاه از آنها ذکری نمی کرد»<sup>۱۱۶</sup>.

در جای دیگر حضرت امام در این مورد بیان داشته: «... اینها همه یک مشت اوباش هستند که از خارج از مرزها با تذکره های دروغی آمده اند در ایران! آذربایجانیها همه شان که همچو قیامی کرده اند که بی سابقه تقریباً بوده است. همچو تعطیلی کردند که بی سابقه بوده است»<sup>۱۱۷</sup>.

## بازتاب قیام

قیام گسترده مردم تبریز و قتل عام آن بازتاب وسیعی در محافل روحانی و غیرروحانی داشت. مراجع و آیات حوزه علمیه قم اولین مقامات روحانی بودند که در این خصوص با اعلامیه و تلگراف موضع گیری نمودند گوشه هایی از اظهارات:

آیت ا... گلپایگانی: «... این مصیبت بزرگ را خدمت حضرات آقایان علما و عموم مردم ملسمان و غیور آذربایجان خصوصاً خانواده های مصیبت زده و داغدار تسلیت عرض می نمایم... حادثه تبریز را تاریخ در شمار حرکت های مسلمانان برای دفاع از اسلام ثبت می نماید...»<sup>۱۱۸</sup>

«واقعه تبریز سند عینی و زنده درک و شعور همبستگی ملت مسلمان با علمای اعلام و انزجار و تنفر از استکبار و استبداد است»<sup>۱۱۹</sup>.

آیت ا... مرعشی نجفی: «... آیا دفاع از اسلام و جامعه روحانیت وظیفه هر فرد مسلمان نیست؟ آیا اجتماع مومنین به مناسبت چهلمین روز مقتولین قم که با کمال آرامش در مساجد تبریز تشکیل می شد جرم است؟»<sup>۱۲۰</sup> «...»

آیت ا... سید عبدا... شیرازی طی تلگرافی به آیت ا... قاضی و سایر علمای تبریز بیان داشت: «... حوادث اسفناک تبریز که به عنوان پشتیبانی از احکام سلام و هماهنگی با مقام شامخ روحانیت بوجود آمد موجب تألم و تأثر شدید اینجانب و حوزه مقدسه خراسان گردید»<sup>۱۲۱</sup> «...»

آیت ا... شریعتمداری نیز در پی حوادث خونین تبریز اقدامات رژیم را محکوم نمود.<sup>۱۲۲</sup> لیکن بایستی یادآور شد آنچه از قول ایشان در مطبوعات رسمی رژیم (همچون روزنامه رستاخیز) در اول اسفند ۱۳۵۶ چاپ شد هم سو با مقاصد رژیم در محکومیت قیام مردم تبریز است در حالی که ایشان در اعلامیه های خود اقدامات رژیم را محکوم نموده است، آیا رژیم با رضایت ایشان اقدام به نشر آن مطالب می کرد یا بدون رضایت ایشان، بحث در این مورد خارج از موضوع ماست.

آیات عظام، حاج سید محمد وحیدی، حاج شیخ محمد صدوقی، سید محمد صادق روحانی، بهاء الدین محلاتی و حوزه علمیه قم، روحانیون مبارز خراسان، طلاب گیلانی و مازندرانی مقیم قم، طلاب اصفهانی مقیم قم، روحانیت مبارز ایران مقیم بیروت، فضلا و محصلین همدانی حوزه علمیه قم، حوزه علمیه مشهد، جامعه



بسم الله الرحمن الرحيم

سلام بر اهل شجاع و شرف از زبان عجز و معدود بر مردان برونده و جوانان غیرت پر  
 دود بر مردان که در خاطر و روانی بسیار ظنون که به نظر تمام کرده و با زیادتر که بر شاه  
 خدا بختند بر جوانان که پیش از او کشیده اند به پشته مردم مجاهد عزیز تر از آنست که علم  
 سنت حکم بر او باور و کوه زرد که با یون از شمعان استندت عین شماره که گشت بر  
 ایران با آرزو و عهد که است به استندت پند شاه دست می افتد و این دو کوه است و خود  
 با خسته سخن و آفات و نده که گشته شماره در کوه کجاست و بنده که گشته است که همان بود که گشته  
 این است غمخوار و در دست تمام صاحب همه دان چون با چرا که میگردیم که در وقت که با  
 بشیر که هیچ دور نیست و در این است که گشته است که با بصیرت مانع از آفات است که گشته  
 از حیرت مانع و پیشتر که گشته است از آفات و در آرزو است که گشته است که در آرزو  
 گشته و هر راجی که گشته است که گشته است که گشته است که گشته است که گشته است که گشته است  
 که گشته است که در رجبه که گشته است که گشته است که گشته است که گشته است که گشته است  
 تیره دلاوران و اندیشه و در آن بصیرت گشته است که گشته است که گشته است که گشته است  
 مکتوم که گشته است که گشته است که گشته است که گشته است که گشته است که گشته است  
 علم میوه که گشته است که گشته است که گشته است که گشته است که گشته است که گشته است  
 نوزده اند به گشته است که گشته است که گشته است که گشته است که گشته است که گشته است  
 تا گشته است که گشته است که گشته است که گشته است که گشته است که گشته است که گشته است  
 نوبت بر روز شایسته تا نوزده به معنی نوزده بود که گشته است که گشته است که گشته است  
 بخدا که گشته است که گشته است که گشته است که گشته است که گشته است که گشته است  
 مدرسه عین سینه را سینه که تاریخ ایران باور نهد این چنین که گشته است که گشته است که گشته است  
 تا که اینم بشیر و تاریخ از طبیعت باور نهد این چنین بصیرت و شود و اگر که گشته است که گشته است که گشته است

عین دستخط امام خمینی

قیام شعور انگیز ۲۹ بهمن تبریز



مشی در به این صورت که در هر یک از این شش ماه است بر زبان واقع است گنبد ایران  
 همه گشته و حیات بریزد آن همه در کواری است و شش ماه از آن با که در آن میجو بر سر بر در دست که  
 گشته بر او از آن چهره که در این بیخ رشتا حیات حیات حیات حیات حیات بر او در این گونه که از سنگ را  
 در هر صورت این همه در کواری نشسته همانند که با آب زرم در او هم گنبد گشته تا این اوج است  
 و مگر در حیات این چه در او در این خط کرده در زمین همتر خواهد که من اهل که شوق و شوقین غنا  
 ستم بیدارم که بر ایران عزیز تر از هر چه بگذارد یا شست و حیات حیات حیات حیات حیات حیات حیات حیات حیات  
 را بر شاهر بر زبان قدر تمام با نامگان را جهان کر که گشته فسخ شود لکن باید بداند که در  
 شست ایران ماه خرد را یافته در این نسیه تا حیات نامان را در این خورشید و چشم خورشید  
 خرد را در این دو دان ساختگی بود با فرشته خرد در تمام قدرت این در تمام خرد شاهر و خرد  
 چند است و چند تر خواهد شد و بر هم سلام بر او در همین در همه بر او تمام از این صفا که در آن  
 با هزار خواهد داد است بهم یک دن و یک چهره با سر در کتب حیات شش قرآن از این بیدم خد  
 بعدی در صبح در دست را هم خواهد کرد ایس صبح ترمیم و ای سلم در زیر از زبان او به  
 بد است که در این راه حق و سبقت دارد و طلی در حیات از قرآن که تم نهاد خسته شمر از بزرگ  
 چند هزار هفتاد و دیگر نه اوستم در تمام سر که در حیات و با بیله حضرت خدا در تمام  
 عبود و تفران بزرگ با این همه در او هم نسخه و چه در همه در بر او در تمام بیله به طوریکه  
 نماند اسد و شمر را در کوچه در بدن بر شمر و در دو مرکز بر شمر و شمر چه حال کین که در شمر گشته  
 که حیات را از بزرگ صبح که شست است خوف و بیروت یا مهران فرود گشته کسی نیست که بداند  
 حجب بیدم در قرآن صبح نیستی از سبکه به ندر زبان این است که به خبر شست و در از این حیات ایست  
 گشته دان که در حال آنرا چه که است فرسان را و اعضا همین که آن هم حال نماند و در  
 بیدم بیکته در خرد و ای صبح در همین در بزرگ شمر که در این در دانی را در تمام در تمام  
 صبح در هر دو راه صبح ۱۹۵

قیام شورا انگیز ۲۹ بهمن تبریز

روحانیت خمین، جمعی از روحانیون تهران، جامعه روحانیت کاشان، روحانیان یزد، و غیره اعلامیه‌هایی در مورد این قیام صادر نمودند و چهلم شهدای تبریز را عزای عمومی اعلام داشتند.

اتحادیه انجمنهای اسلامی دانشجویان اروپا، جنبش مسلمانان مبارز، کنفدراسیون محصلین و دانشجویان ایرانی خارج از کشور، نهضت آزادی ایران نیز اعلامیه‌هایی نشر دادند.

نشریه «۱۶ آذر» نشریه کنفدراسیون محصلین و دانشجویان ایرانی خارج از کشور نوشت: «قیام تبریز نه فقط برگی زرین به تاریخ مبارزات ضد ارتجاعی و قهرمانه اهالی ستمکش این شهر می‌افزاید، بلکه لحظه‌ای درخشان در تاریخ پیکار خلق‌های میهن است»<sup>۱۲۳</sup>.

در تاریخ ۵۶/۱۱/۳۰ اتحادیه انجمنهای اسلامی دانشجویان اروپا در بیانیه خود کشتار مردم تبریز را همسنگ با قیام ۱۵ خرداد دانست<sup>۱۲۴</sup>: «وسعت و سعیت قهر ضد انقلابی که رژیم ضد خلقی در سرکوب این قیام به کار برده است، شکوه‌مندی و وسعت و دامنه و اهمیت آن و میزان وحشت و هراس رژیم را از حرکت عمومی نشان می‌دهد»<sup>۱۲۵</sup>.

پس از قیام تبریز دانشجویان مبارز ایرانی مقیم کشورهای اروپایی و آمریکایی دست به افشاگری زدند. در آمریکا جو حاکم چنان گرایش به شاه داشت که هیچ نشریه معتبر، غیر از چند روزنامه محلی و کم‌تیراژ حاضر به چاپ مطالب دانشجویان نشد. روزنامه واشنگتن پست، چند مقاله به اوضاع تبریز اختصاص داد، نیویورک تایمز ضمن صحبت از ترکی که رژیم برداشته، در روزهای بعد تعداد کشته‌شدگان تبریز را از شش به بالاتر از هفتاد نفر رساند و توضیح داد که بلوای تبریز، بلوایی است پیچیده، ولی نوشت که پیچیدگی بلوا در کجا نهفته است<sup>۱۲۶</sup>.

تعدادی از دانشجویان مبارز ایرانی مشغول به تحصیل در برلن شرقی (پایتخت جمهوری دمکراتیک سابق آلمان) سفارت ایران را در برلن به اشغال خود درآوردند و به افشای جنایات شاه و پخش خبر مبارزه مردم تبریز پرداختند خبر این جریان به سراسر جهان مخابره شد<sup>۱۲۷</sup>.

دانشجویان مقیم اتریش نیز مقارن سفر وزیر امور خارجه ایران که به دعوت صدر

اعظم و رئیس جمهور اتریش به آن کشور رفته بود در خارج دانشگاه وین است به تظاهراتی زدند و شعار خود را «حمام خون در ایران» قرار دادند. آنهایی گویند تعداد بسیار زیادی از مردم به خصوص از شهر تبریز ضمن تظاهرات در زد و خوردهایی که با پلیس صورت گرفت کشته شده‌اند<sup>۱۲۸</sup>».

خانم «لیز ترگود» از تهران طی مقاله‌ای در گاردین از اینکه نسبت به تظاهرکنندگان ضد رژیم در تبریز با ملایمت برخورد شده است اظهار تعجب کرده و ضمن آن به نقل از سخنان استنادار جدید آذربایجان نوشته که او سیاست خود را بر اساس تأمین حداکثر آزادی برای مردم قرار داده است<sup>۱۲۹</sup>.

### بازتاب قیام مردم، قم، تبریز و یزد در نفاسیر رادیوی بی. بی. سی

امل چارلتن: «... امروزه شاه مردی است که در مخمسه افتاده و حیات سلسله پهلوی که وی تلاش می‌کرد به آن اهمیت افسانه‌ای یکی از دودمانهای باستانی را بدهد اینکه در خطر افتاده است ... رشد آزاد و طبیعی زندگانی سیاسی وجود نداشت و حالا که شاه با این حقیقت تلخ و ترسناک روبرو شده که گروههای پرقدرتی از مردم به وی پشت کرده و علیه او پیا خاسته‌اند خلاء مهیب و ترسناک موجود در صحنه سیاسی ایران، تلاشهای وی را برای جبران مافات برای جبران بزرگترین اشتباهات گذشته با شکست روبرو می‌سازد...»

کاترین دیویث: «... این عزاداری بر اساس سنن اسلامی در شب چهلم مرگ آن دسته از مردمی که بیش از یک ماه پیش در شورشهای ضد دولتی شهر تبریز کشته شده بودند برپا شد، خود شورشهای تبریز به خاطر چهلمین روز کشته شدن عده‌ای دیگر از تظاهرکنندگان ضد دولتی بود که در شهر مذهبی قم به دنبال تیراندازی نیروهای پلیس جان خود را از دست داده‌اند.

... این تظاهرات زنجیره‌ای در ایران که در فواصل چهل روزه‌ای رخ داده به دنبال انتشار یک مقاله در روزنامه‌ای آغاز شد که در آن به شدت به آیت‌الله خمینی یکی از رهبران مذهبی پرنفوذ که در تبعید به سر می‌برد حمله شده بود. تظاهرات طرفداران او که به دنبال انتشار مقاله آغاز شد کم‌کم وسعت بیشتری یافت و عاقبت به عاملی برای حمله به دولت ایران و سیستم حکومتی که تظاهرکنندگان آن را حکومت یک نفری شاه

می خوانند تبدیل شد<sup>۱۳۰</sup> . ... »

خانم لیز ترگود وابسته روزنامه گاردین: «می توان گفت که ناآرامیهای کنونی با مقاله ای در یکی از مطبوعات تهران آغاز شد که در آن از آیت الله خمینی انتقاد شده بود ... از چنین آغاز کوچکی برخورداردی عظیم میان شاه و روحانیون قدرتمند ایران آغاز شد. آخرین دور این برخوردها این هفته صورت گرفت ... تظاهرات به درخواست رهبران مذهبی صورت گرفت که درخواست کردند که بازارها بسته و مردم در مساجد جهت تعزیه چهلم کسانی گرد آیند که چنین برمی آید چهل روز پیش در یزد کشته شده اند. جریان یزد هم در چهلم کسانی پیش آمد که در تبریز کشته شده بودند و جریان تبریز هم در چهلم کسانی به وقوع پیوست که در قم کشته شده بودند. پیوستن مجدد جامعه روحانیت به جرگه مخالفان دولت از نظر سیاسی برای دولت خطرناک است به نظر اهل بصیرت شاه ایران اینک مثل گذشته فقط با چند هزار روشنفکر طبقه متوسط و ناراضی طرف نیست، بلکه با تعداد بی شماری از شیعیان مومن طرف است که علمای خود را در دولت مرکزی به رهبری شاه ترجیح می دهند ...

اما این در نجف است که صریح الهجه ترین مخالف شاه ایران، اقامت دارد. آیت الله روح الله خمینی که در تبعید به سر می برد از آن سوی مرز اعلامیه ها و فتوای خود که بر نوار ضبط شده است به ایران می فرستد که در آنها مردم را به چیزی که کم و بیش در حکم قیام عمومی است دعوت می کند.

حال باید دید که (امام) خمینی چه می خواهد اخیراً وی در مصاحب ای گفت: «کمال مطلوب ما دولت اسلامی است» ... جامعه روحانیت که اینکه رنگ سیاسی به خود گرفته است، بزرگترین خطر در ظرف ۱۵ سال اخیر برای شاه محسوب می شود. اگر دولت با دقت عمل کند می توان جلو این خطر را گرفت.

اما موضوعات اینک چندان در هم پیچیده شده و از احساسات سرچشمه می گیرد که هر عزای چهلم کوچکی هم که برگزار می شود، بالقوه ممکن است به بحرانی ملی بدل شود<sup>۱۳۱</sup> .

### نتایج قیام

قیام ۲۹ بهمن تبریز مجزا و مجرد از نهضت امام خمینی معنی و مفهومی ندارد، بلکه در این حرکت است که هم اهمیت خاصی دارد هم جایگاه برجسته ای و هم نتایج

مهمی به قول حضرت امام: «کشتار بیرحمانه قم ایران را به هیجان آورد و تبریز را به قیام همگانی مردانه در قبال ظلم و بیدادگری نشانند و کشتار دسته جمعی تبریز ملت غیور ایران را چنان تکان داد که در آستانه انفجار است ۱۳۲.»

چون این قیام دومین حلقه زنجیره تشدید روند انقلاب اسلامی است ارتباط ناگسستگی با قیام مردم قم و قیام حماسه آفرینان یزد و جهرم دارد. نتایج قیام تبریز مسئله مشترک همه این قیامها می باشد. که به موارد زیر می توان اشاره نمود:

- رو در رو قرار گرفتن مردم نه تنها با حکومت بلکه با اساس سلطنت و نهاد رژیم، به طوری که بعد از قیام مردم قم و تبریز شعار «مرگ بر شاه» در اکثر شهرهای ایران داده می شد. بنابر نقل برخی از منابع در تبریز بود که برای اولین بار شعار «مرگ بر شاه» شنیده شد ۱۳۳.

- مقبولیت و محبوبیت روز افزون زعامت سیاسی و مذهبی امام خمینی، همان چیزی که رژیم برای مقابله با آن به نشر مقاله توهین آمیز علیه امام واداشت ۱۳۴.

- آشکار گردیدن سیاست حداکثر آزادی شاه و حقوق بشر کارتر

- دشمنی و مبارزه با امپریالیسم آمریکا و عوامل وابسته به بهائیت و صهیونیسم جهانی در ابعاد، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی.

- تداوم انقلاب «کشتاری که در تبریز صورت گرفت، فرصت را برای برگذاری مراسم سوگواری چهلمین روز درگذشت کشته شدگان مهیا ساخت و این مراسم دست کم در پنجاه و پنج شهر کوچک و بزرگ برگزار شد ۱۳۵.»

نهضتی که پس از قیام حماسه آفرینان قم که در تبریز تداوم یافته بود از حرکت باز نایستاد، و این خود پایه گذار سوگواریهای بعدی شد، چون در هر اعتراض تازه عده دیگر کشته می شدند، سلسله ناگسستگی از چنین مبارزات بوجود آمد ۱۳۶.

پس از قیام قهرمانانه مردم تبریز آیت الله قاضی اعلامیه ای صادر و اعلام نمود مراسم چهلم شهدای تبریز برقرار خواهد شد و بر روی خواسته هایی که در قیام قم مطرح شده بود پافشاری کرد ۱۳۷.

آیت الله حاج شیخ محمد صدوقی به مناسبت چهلمین روز شهدای تبریز اعلامیه ای صادر کرد: «... روز پنج شنبه ۲۰ ربیع الثانی مطابق با دهم فروردین ۱۳۵۷ از ساعت ۹ الی ۱۱ به وقت قدیم در مسجد روضه محمدیه (حظیره) برای تجلیل

از ارواح عالیه شهیدان قم و تبریز و لبنان، بزرگداشت خاطره جانبازی مردان راه حق، برپاست شرکت عموم طبقات را انتظار داریم محمدالصدوقی<sup>۱۳۸</sup>»  
تقارن چهلم شهدای تبریز با هجوم نیروهای اسرائیل به جنوب لبنان و شهادت تعدادی زیادی از مسلمانان لبنان و بازتاب گسترده آن در ایران، ارتباط آرمانی هر چه بیشتر مردم ایران و لبنان و فلسطین را فراهم آورد:

«... ملت مسلمان ایران هنوز که در ماتم عزیزان (گریه شدید حضار) در قم و تبریز مظلومانه به قتل رسیده اند (گریه شدید حضار) عزادار است. مصیبت و فاجعه لبنان نیز چندین برابر، بر غم آنان افزود (گریه شدید حضار) و در آستانه سال جدید در ایران ملت مسلمان ما با مصیبت‌هایی که در ایران و لبنان مواجه گردیده است عید نخواهد داشت... ۱۳۹»

علما و روحانیون عید سال ۱۳۵۷ را تحریم نمودند که:  
«روزی که دگرگون شود احکام خدا عید نداریم  
روزی که زمرجع شود اعلام عزا عید نداریم  
روزی که هزاران نفر از حق طلبان زیر شکنجه  
تبعید بود رهبر شایسته ما عید نداریم. ۱۴۰»

چهلم شهدای تبریز در شهرهای متعددی برگزار شد اما در یزد بود که برجستگی خاص یافت: «... با این حال اینطور به نظر می‌رسد که خشونت‌های خیابانی در شهر یزد شدیدتر از شهرستانهای دیگر بوده است. گزارش پلیس از تظاهرات یزد حاکی است که پس از آنکه نیروهای امنیتی نتوانستند با استفاده از گاراشک آور تظاهرکنندگان را متفرق سازند به روی آنها آتش گشود و همچنین گویا که تظاهرات شهر یزد گسترش بیشتری نسبت به سایر شهرهای دیگر داشته است<sup>۱۴۱</sup>».

■ زیرنویس

- ۱- موسی نجفی، تأملات سیاسی در تفکر اسلامی (مجموعه مقالات) تهران، پژوهشگاه ۱۳۷۴، جلد اول صفحه ۲۱۷.
- ۲- علی اصغر شعر دوست، مجلس نشین قدس، تهران، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۴، صفحه ۱۶.
- ۳- غلامرضا نجاتی، تاریخ بیست و پنج ساله ایران، تهران، رسا، ۱۳۷۱، جلد دوم، صفحه ۳۷.
- ۴- داریوش همایون، دیروز و فردا، آمریکا، ۱۹۸۱، صفحه ۵۶.
- ۵- آنتونی پارسنز و عزور و سقوط، ترجمه منوچهر راستین، تهران، مولف، ۱۳۶۳، صفحه ۹۱.
- ۶- فرد هیلیدی، دیکتاتوری و توسعه سرمایه داری در ایران، ترجمه فضل‌ا... نیک‌آیین، تهران، امیرکبیر،

قیام شورا انگیز ۲۹ بهمن تبریز

- ۱۳۵۸ صفحه ۲۹۷ - ۷- عمادالدین باقی، تحریر تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی ایران، (مجموعه برنامه داستان انقلاب رادیو بی بی سی)، قم، نشر تفکر، ۱۳۷۳، صفحه ۲۶۴.
- ۸- مرکز نشر دانشگاهی، طلایه انقلاب اسلامی، (مصاحبه های امام خمینی در نجف و پاریس و قم)، تهران مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۲، صفحه ۷.
- ۹- عمادالدین باقی، بررسی انقلاب ایران، قم، نشر تفکر، ۱۳۷۰، جلد اول، صفحه ۲۱۶-۲۱۵.
- ۱۰- مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، آیینہ آفتاب، بیان اندیشه امام خمینی در کلام حاج سید احمد خمینی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۴، صفحه ۹۴.
- ۱۱- دفتر ادبیات انقلاب اسلامی، ساواک و روحانیت، بولتنهای نوبه ای ساواک ۴۹/۱۱/۲۵ تا ۴۹/۶/۳، تهران، حوزه هنری دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۱، جلد اول، صفحه ۲۰۲.
- ۱۲- عمادالدین باقی، بررسی انقلاب ایران، صفحه ۲۲۷.
- ۱۳- برای نمونه: حسین فردوست، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، چاپ پنجم، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۱ جلد اول صفحه ۵۷۵ و مینو صمیمی، پشت پرده تخت طاووس، ترجمه ابوترابیان، چاپ هشتم تهران، اطلاعات، ۱۳۷۴ صفحه ۲۱۲.
- ۱۴- داریوش همایون، صفحه ۲۶۷.
- ۱۵- مرکز اسناد انقلاب اسلامی، خاطرت و مبارزات شهید محلاتی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۶ صفحه ۹۱.
- ۱۶- مرکز اسناد انقلاب اسلامی، مجله ۱۵ خرداد، شماره صفر، قیام ۱۹ دی به روایت اسناد ساواک، صفحه ۲۸.
- ۱۷- مرکز اسناد انقلاب اسلامی، آیا او تصمیم دارد بنیاید به ایران (مذاکرات شورای امنیت ملی (۹ و ۱۳/۷/۵۷) تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۶، صفحه ۵۸.
- ۱۸- ساواک و روحانیت، صفحه ۲۰۸.
- ۱۹- انقلاب مذهبی یا ملی، ترجمه م. ر. بی جا، بی نا، ۱۳۵۷ صفحه ۲۶.
- ۲۰- تحریر تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی، صفحه ۲۷۲.
- ۲۱- مینو صمیمی، صفحه ۲۱۹-۲۲۰.
- ۲۲- نیکی، آر، کندی و ریشه های انقلاب ایران، ترجمه عبدالرحیم گواهی، چاپ دوم، تهران دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۵ صفحه ۲۱۴.
- ۲۳- مینو صمیمی، صفحه ۲۲۰.
- ۲۴- ساواک و روحانیتو صفحه ۲۲۶.
- ۲۵- عمادالدین باقی، تحریر تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی، صفحه ۲۷۳.
- ۲۶- نگاه کنبد به حسین فردوست، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی جلد ۱ صفحه ۵۷۴ و داریوش همایون، دیروز و فردا صفحه ۶۰.
- ۲۷- ساواک و روحانیت، صفحه ۲۴۱.
- ۲۸- درباره حماسه آفرینان قم و تبریز، بی جا، بی نا، ۱۳۵۶، جلد اول صفحه ۱۳۶.
- ۲۹- سازمان جوانان حزب توده ایران، جاودان باد خاطره قیام خونین تبریز، بی جا، حزب توده، اسفند ۱۳۵۶، صفحه ۱۵-۱۴.
- ۳۰- هـ، موحد، دو سال آخر، فرم تا... انقلاب، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳، صفحه ۹۱.
- ۳۱- بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی، هفت هزار روز تاریخ ایران و انقلاب اسلامی، تهران، بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی، ۱۳۷۱، جلد دوم، صفحه ۷۸۲.
- ۳۲- جاودان باد خاطره قیام خونین تبریز، صفحه ۱۵.
- ۳۳- همان، صفحه ۱۵.
- ۳۴- روابط عمومی وزارت اطلاعات، فرازهایی از تاریخ انقلاب به روایت اسناد ساواک و آمریکا، تهران روابط عمومی وزارت اطلاعات، ۱۳۶۸، صفحه ۳۰-۲۹.
- ۳۵- محمد عباسی، تاریخ انقلاب ایران، تهران، مشرق، ۱۳۵۸، صفحه ۷۳۴ و مرکز اسناد انقلاب اسلامی



اسناد انقلاب اسلامی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۵، جلد ۵، صفحه ۱۷۷-۱۷۶.

۳۶- قسمتی از اعلامیه آیت ا... وحیدی به مناسبت چهلمین روز شهدای ۱۹ دی قم، اسناد انقلاب اسلامی، چاپ دوم، جلد ۲، صفحه ۲۳۷.

۳۷- سید جلال الدین مدنی، تاریخ سیاسی معاصر ایران، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۱، جلد ۲ صفحه ۲۴۷.

۳۸- فرازهایی از تاریخ انقلاب، صفحه ۳۳.

۳۹- صادق تائب تبریزی، حماسه کربلا، تهران، مؤلف، جلد اول، صفحه ۲۶۶. حاج صادق تائب تبریزی از شاعران و مرثیه سرایان نامی تبریز است که در سال ۱۳۰۲ در تبریز متولد شد دوران کودکی را با مشقات فراوان سپری کرد تحصیلات متداول روزگار خویش را گذراند. در سال ۱۳۲۷ اولین شعر نوحه خویش را در مسجد جامع تبریز خواند از آن تاریخ تاکنون اشعار متعددی از خود و دیگران نشر داده است در جریان انقلاب اسلامی از سال ۱۳۴۲ با سلاح شعر و نطق بران انقلابی خود شرکت داشت. بارها به زندان افتاد و شکنجه شد، پس از قیام ۲۹ بهمن تبریز به تهران گریخت و تاکنون ساکن تهران است.

۴۰- درباره حماسه آفرینان قم و تبریز، جلد اول، صفحه ۷۴.

۴۱- عمادالدین باقی، پیشین صفحه ۲۷۶-۲۷۵.

۴۲- دفتر تنظیم و نشر آثار امام خمینی، کوثر، چاپ دوم، تهران، دفتر تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۳، جلد اول صفحه ۳۴۲.

۴۳- جاودان باد خاطره قیام خونین تبریز، صفحه ۲۲.

۴۴- همان، صفحه ۲۲.

۴۵- علی دوانی، نهضت روحانیون ایران، تهران، بنیاد فرهنگی امام رضا (ع)، ۱۳۵۸، جلد ۷، صفحه ۷۴.

۴۶- رضا ابراهیمی، در انقلاب ایران، تهران، کتاب زمان، ۱۳۵۸، صفحه ۵۷-۵۶.

۴۷- نادر میرزا، تاریخ و جغرافیای دارالسلطنه تبریز، تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد، تبریز، ستوده، ۱۳۷۳ صفحه ۱۵۶.

۴۸- سید حمید روحانی، نهضت امام خمینی، تهران، واحد فرهنگی بنیاد شهید، ۱۳۶۴، جلد دوم صفحه ۲۰-۱۹ (پرونده امام خمینی، جلد ۹ سند ۲۶۲).

۴۹- علی باقری، خاطرات ۱۵ خرداد تبریز، تهران، حوزه هنری دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۴، قسمت اول صفحه ۷۹.

۵۰- همان صفحه ۱۰۵.

۵۱- درباره حماسه آفرینان قم و تبریز، صفحه ۷۵.

۵۲- بهروز خاماچی، اوراق پراکنده از تاریخ تبریز، تبریز، مهد آزادی، ۱۳۷۲، صفحه ۳۶۷.

۵۳- فرازهایی از تاریخ انقلاب، صفحه ۳۰.

۵۴- دانشجویان پیرو خط امام، روزشمار انقلاب اسلامی «انقلاب اول» مجموعه اسناد لانه جاسوسی آمریکا، تهران، مرکز اسناد لانه جاسوسی آمریکا، ۱۳۷۳، جلد ۹ صفحه ۳۳.

۵۵- همان.

۵۶- علی اصغر شعر دوست، صفحه ۴۴-۴۳.

۵۷- روزنامه رستاخیز، ۵۶/۱۲/۲.

۵۸- ه، موحد، صفحه ۱۰۵.

۵۹- محمود حکیمی، حماسه انقلاب، قم، انتشارات امید، بی تا، صفحه ۵۶.

۶۰- روزشمار انقلاب اسلامی، صفحه ۴۰.

۶۱- اسناد انقلاب اسلامی، جلد ۴، صفحه ۴۶۲ (از اعلامیه حوزه علمیه مشهد درباره چهلم شهدای تبریز).

۶۲- گروه تحقیقات سروش، تقویم تاریخ انقلاب اسلامی، تهران، سروش، ۱۳۶۹، صفحه ۶۶-۶۵.

۶۳- نیکی، آز، کدی، صفحه ۴۱۴.

۶۴- مهدی بازرگان، انقلاب ایران در دو حرکت، چاپ سوم، تهران، نهضت آزادی، ۱۳۶۳، صفحه ۲۸.

۶۵- همان، صفحه ۲۸.

۶۶- فرازهایی از تاریخ انقلاب، صفحه ۳۱-۳۰.

- ۶۷- رضا براهینی، صفحه ۵۷.
- ۶۸- درباره قیام حماسه آفرینان قم و تبریز، صفحه ۷۶.
- ۶۹- بهروز خاماچی، صفحه ۳۷۱-۳۷۲.
- ۷۰- روزشمار انقلاب اسلامی، صفحه ۵۲-۵۳.
- ۷۱- محمود حکیمی، صفحه ۶.
- ۷۲- جاویدان یاد خاطره قیام خونین تبریز، صفحه ۲۵.
- ۷۳- فرازهایی از تاریخ انقلاب، صفحه ۳۵.
- ۷۴- جواد منصور سیر تکوینی انقلاب اسلامی، چاپ اول، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۷۳ صفحه ۲۶۳، چادوم، وزارت امور خارجه ۱۳۷۶ صفحه ۳۱۱.
- ۷۵- نیکی، آر، کدی، صفحه ۴۱۹.
- ۷۶- بهروز خاماچی، صفحه ۳۶۸.
- ۷۷- رضا براهینی، صفحه ۶۵.
- ۷۸- نیکی، آر، کدی، صفحه ۴۱۹.
- ۷۹- روزشمار انقلاب اسلامی، صفحه ۴۴.
- ۸۰- حسین فردوست، جلد اول، صفحه ۱۵۳.
- ۸۱- اسناد انقلاب اسلامی، جلد ۳، صفحه ۲۴۶.
- ۸۲- اسناد انقلاب اسلامی جلد ۳، صفحه ۲۵۲ (قسمتی از اعلامیه جمعی از روحانیون تهران درباره فاجعه ۲۹ بهمن تبریز).
- ۸۳- فریدون هویدا، سقوط شاه، ترجمه، ح. ا. مهران چاپ هفتم، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۴، صفحه ۱۹.
- ۸۴- روزشمار انقلاب اسلامی، صفحه ۶۴.
- ۸۵- روزنامه رستاخیز، ۱۳۵۶/۱۲/۳، صفحه ۲.
- ۸۶- روزشمار انقلاب اسلامی، صفحه ۵۰.
- ۸۷- نیکی، آر، کدی، صفحه ۴۱۸.
- ۸۹- بهروز خاماچی، صفحه ۳۷۲.
- ۹۰- درباره حماسه آفرینان قم و تبریز، جلد دوم، ۳۸.
- ۹۱- رضا براهینی صفحه ۵۷.
- ۹۲- تقویم تاریخ انقلاب اسلامی، صفحه ۶۷-۶۶.
- ۹۳- ساواک و روحانیت، صفحه ۲۱۶-۲۱۷، روزنامه رستاخیز اول اسفند ۱۳۵۶، تلگرام آیت ... شریعتداری.
- ۹۴- کوثر، صفحه ۳۴۲.
- ۹۵- ساواک و روحانیت، صفحه ۲۱۶.
- ۹۶- رضا براهینی، صفحه ۵۸-۵۷.
- ۹۷- ه، موحد، صفحه ۱۰۶.
- ۹۸- کوثر، صفحه ۳۴۲.
- ۹۹- روزنامه رستاخیز، ۱۳۵۶/۱۱/۳۰، ه، موحد صفحه ۱۰۲.
- ۱۰۰- روزنامه رستاخیز، ۱۳۵۶/۱۲/۷.
- ۱۰۱- همان، ۱۳۵۶/۱۲/۱.
- ۱۰۲- همان، ۱۳۵۶/۱۲/۲.
- ۱۰۳- همان، ۱۳۵۶/۱۲/۴.
- ۱۰۴- روزشمار انقلاب اسلامی، صفحه ۳۵.
- ۱۰۵- داریوش همایون صفحه ۶۳.
- ۱۰۶- روزنامه رستاخیز، نهم اسفند ۱۳۵۶.
- ۱۰۷- محمد رضا پهلوی، پاسخ به تاریخ، ترجمه حسین ابوترابیان، چاپ دوم، تهران، مترجم، ۱۳۷۱، صفحه ۳۳۲.

- ۱۰۸- فریدون هویدا، صفحه ۲۱ زیرنویس.
- ۱۰۹- محمدرضا پهلوی، صفحه ۳۳۲.
- ۱۱۰- کوثر، صفحه ۳۶۸.
- ۱۱۱- سرآنتونی پارسنز، صفحه ۱۰۴.
- ۱۱۲- از تفسیر سیاسی ویلیام کرائی از مفسران رادیو (بی-بی-سی) پس از قیام مردم یزد در فروردین، ۱۳۵۷.
- ۱۱۳- فراهایی از تاریخ انقلاب، صفحه ۳۸.
- ۱۱۴- محمد حسن رجیبی، زندگینامه سیاسی امام خمینی، تهران، وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۹، جلد اول، صفحه ۴۱۰.
- ۱۱۵- مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، صحیفه نور، تهران، وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۱، جلد دوم، صفحه ۳۶-۳۷.
- ۱۱۶- همان صفحه ۳۹-۴۱.
- ۱۱۷- کوثر، صفحه ۳۷۶ (از سخنرانی امام خمینی در مورخه ۱۳۵۷/۲/۲۳ در نجف اشرف).
- ۱۱۸- اسناد انقلاب اسلامی، جلد اول صفحه ۴۳۱.
- ۱۱۹- همان صفحه ۴۴۸.
- ۱۲۰- همان صفحه ۴۳۳.
- ۱۲۱- همان صفحه ۴۲۹.
- ۱۲۲- اسناد انقلاب اسلامی، جلد پنجم، صفحه ۱۸۵ و ۱۷۸.
- ۱۲۳- ه، موحد، صفحه ۱۱۲.
- ۱۲۴- هفت هزار روز تاریخ ایران، صفحه ۷۹۵.
- ۱۲۵- ه، موحد صفحه ۱۰۵.
- ۱۲۶- رضا براهینی، صفحه ۵۸.
- ۱۲۷- جاودان باد خاطره قیام خونین تبریز، صفحه ۳۴.
- ۱۲۸- از اخبار رادیو دولتی لندن (بی-بی-سی) مقارن سفر وزیر خارجه ایران به اتریش در تاریخ ۱۳۵۷/۱/۱۶.
- ۱۲۹- پرویز راجی، خدمتگزار تخت طاووس، ترجمه مهران، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۳، صفحه ۱۵۷.
- ۱۳۰- رادیو بی-بی-سی، فروردین ۱۳۵۷.
- ۱۳۱- همان، روز یکشنبه ۱۳۵۷/۲/۲۳.
- ۱۳۲- صحیفه نور، جلد ۲ صفحه ۳۹.
- ۱۳۳- فریدون هویدا، صفحه ۱۹.
- ۱۳۴- آیا او تصمیم دارد بیاید به ایران، صفحه ۵۸.
- ۱۳۵- سلسله پهلوی و نیروهای مذهبی به روایت تاریخ کمبریج، ترجمه عباس مجرب، تهران، طرح نو، ۱۳۷۱، صفحه ۳۱۸.
- ۱۳۶- فرد هلیدی، صفحه ۲۹۹-۲۸۹.
- ۱۳۷- جاودان باد خاطره قیام خونین تبریز، صفحه ۳۱-۳۰.
- ۱۳۸- اسناد انقلاب اسلامی، جلد ۲ صفحه ۳۳۷.
- ۱۳۹- قسمتی از سخنرانی آیت ا... شریعتمداری در دیدار با شیعیان لبنان در اواخر اسفند ۱۳۵۶.
- ۱۴۰- اسناد انقلاب اسلامی جلد ۴ صفحه ۴۴۰ (از اعلامیه روحانیت مبارز ایران).
- ۱۴۱- از تفسیر سیاسی کاترین دیویث مفسر رادیو (بی-بی-سی)، فروردین ۱۳۵۷.

■ فهرست منابع

- ۱- نجفی، موسی، ۱۳۷۵، ناملات سیاسی در تفکر اسلامی (مجموعه مقالات) تهران، پژوهشگاه علوم انسانی.
- ۲- شعر دوست، علی اصغر، ۱۳۶۴، مجلس نشین قدس، تهران، دفتر تبلیغات اسلامی.
- ۳- نجانی، غلامرضا، ۱۳۷۱، تاریخ بیست و پنج ساله ایران، تهران، رسا.
- ۴- همایون، داریوش، ۱۹۸۱، آمریکا.

- ۵- پارسنز، آنتونی، ۱۳۶۳، غرور و سقوط، منوچهر راستین، تهران، مؤلف.
- ۶- هلیدی، فرد، ۱۳۵۸، دیکتاتوری و توسعه سرمایه داری در ایران، فضل‌ا... نیک آیین، تهران، امیرکبیر.
- ۷- باقی، عمادالدین، ۱۳۷۳، تحریر تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی (مجموعه داستان انقلاب رادیویی بی سی) قم، نشر تفکر.
- ۸- مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۲، طلیعه انقلاب اسلامی، (مصاحبه های امام خمینی در نجف و پاریس و قم) تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- ۹- باقی، عمادالدین، ۱۳۷۰، بررسی انقلاب ایران، جلد اول، قم، نشر تفکر.
- ۱۰- مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۴، تبیان اندیشه امام خمینی در کلام حاج سید احمد خمینی تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- ۱۱- دفتر تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۳، کوثر جلد اول، تهران، چاپ دوم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- ۱۲- دفتر ادبیات انقلاب اسلامی، ۱۳۷۱، ساواک و روحانیت (بولتنهای نوبه ای ساواک ۴۹/۱۱/۲۵ تا ۵۷/۶/۳) تهران، حوزه هنری دفتر تبلیغات اسلامی.
- ۱۳- فردوست، حسین، ۱۳۷۱، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، تهران، چاپ پنجم، اطلاعات.
- ۱۴- صمیمی، مینو، ۱۳۷۴، پشت پرده تخت طاووس، ترجمه ابوترابیان، تهران، چاپ هشتم، اطلاعات.
- ۱۵- مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۶، خاطرات و مبارزات شهید محلاتی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- ۱۶- مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۵، اسناد انقلاب اسلامی جلد ۵-۱، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- ۱۷- مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۶۹، مجله ۱۵ خرداد، شماره صفر، تهران مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- ۱۸- مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۶، آیا او تصمیم دارد بیاید به ایران، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- ۱۹- ۱۳۵۷هـ، انقلاب مذهبی یا ملی، ترجمه م. ر. بی جا، بی نا.
- ۲۰- کدی، نیکی، آر، ۱۳۷۵، ریشه های انقلاب ایران، عبدالرحیم گواهی، تهران، چاپ دوم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۲۱- ۱۳۵۶هـ، درباره حماسه آفرینان قم و تبریز، بی جا، بی نا.
- ۲۲- سازمان جوانان حزب توده ایران، ۱۳۵۶، جاودان باد خاطره قیام خونین تبریز، بی جا، حزب توده.
- ۲۳- بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی، ۱۳۷۱، هفت هزار روز تاریخ ایران و انقلاب اسلامی، تهران، بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی.
- ۲۴- روابط عمومی وزارت اطلاعات، ۱۳۶۸، فرازهایی از تاریخ انقلاب به روایت اسناد ساواک و آمریکا، تهران، روابط عمومی وزارت اطلاعات.
- ۲۵- عباسی، محمد، ۱۳۵۸، تاریخ انقلاب ایران، تهران، مشرق.
- ۲۶- مدنی، سید جلال الدین ۱۳۶۱، تاریخ سیاسی معاصر ایران، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- ۲۷- دوانی، علی، ۱۳۵۸، نهضت روحانیون ایران، جلد ۷ تهران، بنیاد فرهنگی امام رضا (ع).
- ۲۸- براهینی، رضا، ۱۳۵۸، در انقلاب ایران، تهران، کتاب زمان.
- ۲۹- نادر میرزا، ۱۳۷۳، تاریخ و جغرافیای دارالسلطنه تبریز، تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد، تبریز، ستوده.
- ۳۰- روحانی، سید حمید، ۱۳۶۴، نهضت امام خمینی، جلد دوم، تهران، واحد فرهنگی بنیاد شهید.
- ۳۱- باقری، علی، ۱۳۷۴، خاطرات ۱۵ خرداد، تبریز، تهران، حوزه هنری دفتر تبلیغات اسلامی.
- ۳۲- خاماچی، بهروز، ۱۳۷۲، اوراق پراکنده از تاریخ تبریز، مهد آزادی.
- ۳۳- دانشجویان پیرو خط امام، ۱۳۷۳، روزشمار انقلاب اسلامی «انقلاب اول» جلد ۹، تهران مرکز نشر اسناد لانه جاسوسی آمریکا.
- ۳۴- حکیمی، محمود، بی تا، حماسه انقلاب، قم، انتشارات امید.
- ۳۵- موحد، ۱۳۶۳هـ، دو سال آخر، رقم تا... انقلاب، تهران، امیرکبیر.
- ۳۶- گروه تحقیقات سروش، ۱۳۶۹، تقویم انقلاب اسلامی، تهران سروش.
- ۳۷- بازرگان، مهدی، ۱۳۶۳، انقلاب ایران در دو حرکت، تهران، نهضت آزادی.
- ۳۸- منصوری، جواد، ۱۳۷۳، سیر تکوینی انقلاب اسلامی، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی.

- ۳۹- هویدا، فریدون، ۱۳۷۴، سقوط شاه، ترجمه مهرا، تهران، اطلاعات.
- ۴۰- بهلوی، محمد رضا، ۱۳۷۱، پاسخ به تاریخ، ترجمه ابوترابیان، تهران، چاپ دوم، مترجم.
- ۴۱- رجبی، محمد حسن، ۱۳۶۹، زندگینامه سیاسی امام خمینی، تهران، وزارت ارشاد اسلامی.
- ۴۲- مرکز مدارك فرهنگي انقلاب اسلامی، ۱۳۶۱، صحیفه نور جلد دوم، تهران، وزارت ارشاد اسلامی.
- ۴۳- راجی، پرویز، ۱۳۷۳، خدمتگزار تخت طاووس تهران، اطلاعات.
- ۴۴- گروه محققین کمبریج، ۱۳۷۱، سلسله بهلوی و نیروهای مذهبی به روایت تاریخ کمبریج، ترجمه عباس مخبر تهران، طرح نو.
- ۴۵- تائب تبریزی، صادق، بی تا، حماسه کرپلا، تهران، مؤلف.
- ۴۶- حزب رستاخیز ملت ایران، ۱۳۵۶، روزنامه رستاخیز، تهران، حزب رستاخیز.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی